



النَّبِيُّ

سیدنا و اپنا
بخاری

مجید حیدری نیک

الله تَحْمِلُنِي

نگاهی دوباره

ب



مُحَمَّد حِيدْرِي نِيك

حیدری نیک، مجید، ۱۳۳۹ -

نگاهی دوباره به انتظار / مجید حیدری نیک. -

تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(ع) ۱۳۸۱.

ISBN 964-7428-13-8: ۴۰۰۰ ریال ۱۰۶ ص.

فهرستنویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. (۱۰۲)-۱۰۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. مهدویت -- انتظار. ۲. محمدبن حسن(عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. -- غیبت. الف. عنوان.

۲۹۷/۴۶۲

BP ۲۲۴/۴/۹۵۸

۸۱-۳۲۵۸۵

کتابخانه ملی ایران



بیانیه حضرت مسیح امیر المؤمنین

نگاهی دوباره به انتظار

مجید حیدری نیک

ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(ع)

چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول - پاییز ۸۱

قیمت: ۴۰۰۰ ریال

شابک ۹۶۴-۷۴۲۸-۱۳-۸

ISBN 964-7428-13-8:

مرکز پخش: تهران - ۸۴۰۸۴۱۹

نہیں سخت و مطلب

۹	کاشکی می آمدی
۱۱	سخن آغازین
۱۵	درک انتظار
فصل یکم: چیستی انتظار	
۱۹	مفهوم لغوی
۲۰	بررسی دیدگاهها
۲۴	انتظار اصیل
فصل دوم: ضرورت انتظار	
۲۶	الف. از معنای انتظار
۲۸	ب. از دریچه تاریخ
۳۰	ج. از نگاه دشمن
فصل سوم: ابعاد انتظار	
۳۴	الف. توانایی فکری
۳۶	ب. توانایی روحی
۳۷	۱. درک قدر
۳۸	۲. رفعت ذکر
۳۹	۳. دیدن تمامی راه

۶ □ نگاهی دوباره به انتظار

۳۹.....	۴. اطاعت و تقوا
۴۰.....	۵. ارتباط و پیوند با خدا
۴۰.....	۶. تمرین و ممارست
۴۱.....	ج. برنامه‌ریزی
۴۱.....	۱. هدف‌مندی
۴۱.....	۲. ارزشمندی هدف
۴۱.....	۳. تجزیه‌ی هدف
۴۲.....	۴. ابتنا بر فقه و آگاهی
۴۲.....	د. توانایی در عمل
۴۳.....	۱. کتاب
۴۳.....	۲. میزان
۴۴.....	۲.۱. توجه به عامل، جهت و اثر عمل
۴۴.....	۲.۲. اهمیت، صعوبت و مخالفت هوس
۴۵.....	۲.۳. اصول عملیه
۴۵.....	۳. آسیب‌های عمل

فصل چهارم: مبادی انتظار

۴۹.....	یکم. بحران‌ها
۵۰.....	دوم. ساختار وجودی انسان و جهان متحول
۵۳.....	سوم. ناتوانی مدعیان اصلاح

۷ □ فهرست مطالب

۵۵.....	چهارم. ملاقات‌ها و راهنمایی‌ها
۵۷.....	□ نمونه
۵۹.....	پنجم. بشارت‌ها

فصل پنجم: بایسته‌های انتظار

۶۵.....	یکم. اقبال
۶۵.....	مفهوم اقبال (معنای نخست)
۶۶.....	شناخت
۶۶.....	تجربه‌ی محبت از محبوب و ضعف و محدودیت از دیگران
۶۸.....	تجربه‌ی بنبست و احساس تنگناها
۶۹.....	مفهوم اقبال (معنای دوم)
۷۰.....	دوم. میثاق
۷۲.....	سوم. پناه
۷۳.....	چهارم. توصل
۷۷.....	پنجم. آمادگی

فصل ششم: ره آورد انتظار

۹۰.....	یکم. صبر
۹۳.....	دوم. ذکر
۸۴.....	سوم. اصلاح

۸ □ نگاهی دوباره به انتظار

۸۶.....	چهارم. امید
۸۷.....	پنجم. همراهی
۸۸.....	ششم. بصیرت
۹۰.....	□ نمونه‌ی ۱
۹۳.....	□ نمونه‌ی ۲
۹۴.....	□ نمونه‌ی ۳

فصل هفتم: سرانجام انتظار

۹۹.....	۱. پیروزی حتمی سپیدی بر سیاهی
۱۰۰.....	۲. نقش دعا در تعجیل فرج
۱۰۳.....	فهرست منابع و مأخذ

کاشکی می آمدی

کاشکی می آمدی ...

تا نگاهم در نگاهت گم شود

تا دلم از التهاب خالی شود

کاشکی می آمدی ...

تا صدایت آرزوی خسته‌ام بیدار کند

تا سراج نور تو این هستی تاریک را

روشن کند

تو کجا بی، ای افق، ای منتها

من غمینم منتظر در آرزوی روی تو

کاشکی می آمدی ...

تا سپیده در حضورت از ظهور خامش شود

تا حنای نور در پرتو رنگ خوشت

بی رنگ شود

۱۰ □ نگاهی دوباره به انتظار

کاشکی می آمدی...

تابه مژگان هرچه در راهت بود جارو کنم

تابه قدس جویبارت،

این دل بشکسته ام را

پاکسازی کنم

آه باید در کنار انتظارت بینشی

تا که از ملک و ملک بالاروم

• پاییز •

سخن آغازین

«اللهم فثبتنا على دينك و استعملنا بطاعتك و لين قلوبنا لولي امرك»
بارشد چشمگیر علم و صنعت، وهجوم و سرمستی که تکنولوژی و دانش به
همراه آورد و با ظهور انقلاب‌ها و مکتب‌های عدالت طلب و آزادیخواه و مدافع
انسان، بازگشت از دین به طور گسترده آغاز شد.

آنگاه پس از اوایل دهه‌ی پنجماه، بازگشت به دین آغازید و این، نتیجه‌ی
شکست مکتب‌های عدالت طلب و آزادیخواه و انسان دوست و بنبست صنعت
و علم بود.

اوج این بازگشت در پیروزی انقلاب اسلامی ایران تبلور یافت. این حادثه‌ی
بزرگ از یکسو معادلات سیاسی استکبار را در ادامه‌ی سیاست سلطه و تقسیم
استعماری در جهان، به هم زد و از سوی دیگر زمینه‌ی تحولات سیاسی
چشمگیری را در میان ملت‌های مسلمان جهان فراهم آورد. این جریان یکبار
دیگر اسلام را قدرت سرنوشت ساز جهانی مطرح کرد.

در این میان، آن چه مهم‌تر می‌نمود و توجه صاحب نظران و دلسوزان را به
خود جلب می‌کرد، حفظ و تداوم انقلاب و ارزش‌هایش بود و دشمن زخمی
مترصد ضربه زدن و نابود کردن آن.

از طرفی با این پیروزی و با این بازگشت، خطر بسیار بزرگی در جلو راه ما قرار گرفت؛ نسلی پر شور و با نشاط به سمت مذهب گرایش پیدا کرده بودند. اگر این هجوم سبز و مبارک تغذیه نمی شد و اگر غفلت‌ها مارا به بن‌بست می کشاند، دوباره عقب‌گرد شروع می شد، همان‌گونه که سیلاپ‌ها هنگام برخورد به سدها، به سرعت بر می گردند....

تا ریزش و رویش دوباره و غنا و سرشاری و سدها و مانع‌ها را پشت سر گذاشتند، مدت‌ها طول می کشد و چه بسا که طعمه‌ی مرداب‌ها شوند و از پشت سد نگذرند و در کنار مانع‌ها بمیرند. راستی آیا چنین شد؟ آیا ما تمام وظایفمان را به درستی انجام دادیم؟... نمی‌دانم؛ اما مهم، درس گرفتن از گذشته و درک موقعیت کنونی و راهبردی برای آینده است.

تجربه‌ی بیست و اندی سال پس از انقلاب، این پیام مهم را دارد: ما باید با تمام وجودمان، با تمام امکاناتمان، با عقل و سنجش، با انتخاب و اختیار راه یافته‌یم. آری، انقلاب اسلامی ایران هم چنان که برخاسته از اعتقاد به امامت است، زمینه‌ساز قیام و حکومت امام مهدی (عج) نیز هست.

امروز در دوره‌ی آخر الزمان، برگ آخر تاریخ و دوره‌ی شکوفایی تاریخ دینی و مصاف با هجوم خشن شباهات فکری هستیم. در این میدان، پیروزی از آن کسانی است که با بنیان‌های فکری نیرومند و با عشق بزرگ‌تر در برابر شهوات تجهیز شده باشند؛ «الذین امنوا أشدّ حبًا لله...».^۱

به راستی ما خود را از یاران و منتظران به حساب آورده‌ایم و جای حرفی باقی نگذاشته‌ایم، در حالی که حرف‌ها بسیار است. جا دارد خود را دوباره

ارزیابی کنیم و به ریشه‌ها پردازیم. کتاب نگاهی دوباره به انتظار می‌خواهد با همین دید توجهی عمیق و ریشه‌ای به مسئله‌ی مهم روزگار ما یعنی انتظار داشته باشد.

هدف این نوشتار تبیین مفهوم واقعی انتظار، توضیح خاستگاه و ریشه‌های انتظار و نیز شایسته‌ها و بایسته‌هایی است که شیعه‌ی منتظر آن‌ها را راهبرد عملی خود می‌داند. تا در این رهگذر به وسعت و رشد رسیده، ثبات در دین و همراهی و معیت رسول و ولی را به دست آورد؛ اللهم اجعل لی مع الرسول سبیلاً.^۱

نگارنده با تقدیم این اثر به ساحت مقدس ولی عصر علی الله تعالیٰ فوجه الشریف توفیقات وافر برای همه‌ی منتظران و پیروان واقعی حضرتش را خواستار است. در پایان از همه‌ی کسانی که در شکل‌گیری این اثر سهم داشته‌اند، به خصوص حجۃ‌الاسلام والملمین سید مسعود پورسید آقایی مسئول مرکز تخصصی مهدویت، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

و ما توفیقی الا بالله العلی العظیم

• شهریور ۸۱

مجید حیدری نیک

۱. مفاتیح الجنان، تعقیبات بعد از نماز در ماه مبارک رمضان.

گفتم که روی ماهت از من چرا نهان است؟
گفتا: تو خود حجابی، ورنه رخم عیان است
گفتم که از که پرسم جانا نشان کویت؟
گفتا: نشان چه پرسی، آن کوی بی نشان است
حافظ

دک انتظار

راستی انتظار چیست؟ چرا این قدر به آن سفارش و درباره اش گفت و گوشده است؟ تو پیام انتظار را نه تنها از لابه لای امواج بلند کلام مهربان رسول خدا^{علیه السلام} و نسیم رسای سخنان بی همتای علی ^{علیه السلام} می شنوی که پدران امّت لقب گرفته اند،^۱ بلکه صدای هر یک از معصومان ^{علیهم السلام} ضمیر هشیار تو را با ضرورت و اهمیت آن آشنا می کند.

زمانی می توانیم معنای انتظار و حقیقت آن را بیابیم که بدانیم و لمس کنیم امام زمان (عج) را برای چه می خواهیم. پیش از این که معرفت به مهدی موعود پیدا کنیم، پیش فرض لازم آن است که او را برای چه می خواهیم و اصلاً چه

۱. قال رسول الله: ^{علیه السلام} «أنا و علی أبوا هذه الأمة». عيون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۸۵؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۹.

ضرورتی به وجود اوست؟ تا نسبت به این مسأله تشهی نشویم، به حقایق آن دسترسی نخواهیم داشت. تازمانی که این عطش انتظار و این احساس نیاز و به تعییر زیبای معصومان ﷺ اضطرار و افتقار به حجت و امام عصر (عج) شکل نگیرد، به دنبال حضرتش نخواهیم رفت و در انتظار ظهورش حرکتی نخواهیم داشت؛

آب کم جو، تشنگی آور به دست تا بجوشد آبت از بالا و پست

آری، ضرورت امامت باید از همین ابتدا طرح شود، همان ضرورتی که به وجود رسول خدا ﷺ بود به وجود ولی ﷺ نیز هست. در زمان پیامبر ﷺ دو چیز مانع گمراهی مردم بود، وجود آن حضرت و تلاوت آیه‌های قرآن مجید؛ **﴿كِيفَ تَكْفُرُونَ وَ أَنْتُمْ تَتَلَوَّنَ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَ فِيْكُمْ رَسُولُهُ﴾**.^۱

پس از رسول هم به خلیفه‌ای باید، با همان خصوصیات رسول و آگاهی و آزادی و عصمت. احتیاج به کسانی هست که گذشته از حکم، امر و موضوعات را هم بدانند. در تفسیر سوره‌ی قدر، امام می‌فرماید: «با این سوره شما با مخالفان امامت بحث کنید». ^۲ این امری که ملائکه و روح نازل می‌کنند و این ارتباطی که پس از رسول میان آسمان و زمین هست، برای کیست؟ ولی امرکسی است که در شب قدر امر را به او می‌سپارند.

پس نه در حکم و نه در موضوع دچار اشتباه نمی‌شود، همان‌گونه که اعمال ما به آن‌ها عرضه می‌شود و از وضع و کار ما با خبر هستند؛ و حتی می‌بینند **﴿سیرِ اللَّهِ عَمَلُكُمْ وَ رَسُولُهِ وَ الْمُؤْمِنُونَ﴾**.^۳

۱. آل عمران، ۱۰۱.

۲. بحار، ج ۲۵، ص ۷۱، ح ۶۲

۳. توبه، ۱۰۵.

افزون بر این، عنصر دیگری که در درک انتظار به ما می‌تواند کمک کند، بازگشت دوباره به خویشن خویش است.^۱ چون انسان بیش از هر چیز به خودش آگاهی دارد. اگر ابوذرها در یک ب Roxورده این گونه شوریده می‌شوند و راه می‌افتد، از همین جاست که او را به برداشت از خویش دعوت کرده‌اند. از این رو مناسب است نگاهی دوباره به مقوله انتظار داشته باشیم. در این بازخوانی مروری خواهیم داشت بر عناوین آتی.

۱. لایح فی الملکوت من لا یولد مرتین. امام صادق علیه السلام به نقل از کلمات قصار حضرت مسیح می‌فرماید: به ملکوت راه پیدا نمی‌کند، کسی که دوباره متولد نشده باشد. (تولد اول از ملک و رحم مادر و تولد دوم، ما را به ملکوت می‌کشاند)

فصل يکم

چیستی



اگر مفاهیم صحیح و واقعی واژه‌هادرک شود، اشتباهات و سوء تفاهماتی که در شناخت مذهب و اهداف آن برای عده‌ای پیش آمده یا می‌آید، بر طرف و اهداف واقعی مكتب، روشن می‌شود. برخی از مفاهیمی که برداشت‌های مختلفی از آن شده، انتظار ظهور و فرج مهدی موعود(عج) است. بدین جهت شایسته است با کمی تأمل و درنگ، در این زمینه، کنکاشی داشته باشیم.

معنای لغوی

انتظار در لغت، به معنای درنگ در امور، نگهبانی، چشم به راه بودن و نوعی امید داشتن به آینده است.^۱ با مطالعه‌ی فرهنگ‌های لغت در می‌یابیم که انتظار یک حالت روانی به همراه درنگ و تأمل است؛ اما از این معنا دو نوع برداشت می‌توان کرد.

۱. این حالت روانی و چشم به راهی، انسان را به اعتزال و انزوا بکشاند و منتظر، دست روی دست بگذارد، وضعیت موجود را تحمل کند و به امید آینده‌ی مطلوب، بدون هیچ گونه تلاشی فقط انتظار بکشد.

۱. التحقیق فی کلمات القرآن، حسن مصطفوی، ج ۱۲، ص ۱۶۶.

۲. این چشم به راهی و انتظار سبب حرکت، پویایی و عمل و آمادگی وسیع ترگردد. کدام یک از این دو معنا، مراد و مقصود بزرگان و رهبران دینی است؟ با مراجعه به متون روایی، مشاهده می شود که معصومان علیهم السلام خیلی روشن و صریح با ارائه‌ی تصویری مناسب از انتظار، روی برداشت نخست، خط بطلان کشیده‌اند و برای این که هرگز آن معنا به ذهن مخاطب خطور نکند، انتظار را عمل نامیده‌اند، آن هم برترین اعمال^۱ یا آن را عبادت خوانده‌اند، آن هم محبوب‌ترین عبادت.^۲

اساساً این یک قاعده‌ی عقلی و منطقی است؛ آن کس که وضعیت موجود را نمی‌پذیرد و تحمل نمی‌کند، در انتظارگشایش است و برایش آماده می‌شود؛ من انتظر امراً تهیأ له.

بررسی دیدگاه‌ها

بعضی که انتظار را خاموشی و گوش‌گیری و اعتزال و مذهب احتراز^۳ پنداشته‌اند و بدین وسیله، آن را مورد هجوم قرار داده‌اند، به خط رفته‌اند؛ چون حقیقت انتظار را درک نکرده‌اند و تیری در تاریکی انداخته‌اند. مانند آنان که انتظار را مذهب اعتراض^۴ خیال کرده‌اند، آن هم اعتراضی که از سقیفه و از زبان علی علیهم السلام آغاز شد، به بی‌راهه رفته‌اند.

۱. «أفضل اعمال امتى انتظار الفرج من الله عزوجل»، «انتظار الفرج من أعظم العمل». کمال الدین، ج ۲، باب ۵۵، ح ۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

۲. «انتظار الفرج عبادة»، «سئل عن على علیهم السلام أحب الى الله عزوجل؟ قال على علیهم السلام: انتظار الفرج». همان.

۳. حللاج، علی میرفطروس.

۴. انتظار، مذهب اعتراض، دکتر علی شریعتی.

در برابر این نگاه، دو پرسش مطرح است. ۱. دامنه‌ی این اعتراض تا کجاست؟ تارفه، تا عدالت، تا عرفان، تا آزادی، تا شکوفایی و تکامل یا...؟ ۲. چی آمد این اعتراض چیست؟ چه باری بردوش متظر می‌گذارد و این نفی با چه اثباتی همراه می‌شود؟

در مورد پرسش نخست باید بگوییم: آرمان‌های دینی از تکامل و شکوفایی استعداد آدمی، بالاتر است؛ چون زمانی که انسان به تکامل هم برسد، باز مسأله این است که در چه جهتی می‌خواهد مصرف شود، رشد یا خُسر؟ این دو مسأله‌ی اساسی بعد از تکامل و شکوفایی است. پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند:

الناس معادن كمعدن الذهب و الفضة.^۱

مردم گنجینه‌هایی هستند، چون معدن طلا و نقره.

استفاده از معادن، سه مرحله دارد: کشف؛ استخراج؛ شکل دادن. تا اینجا مرحله‌ی کمال و شکوفایی است، اما این آهن شکل گرفته که مثلاً به شکل اتومبیل درمی‌آید، جهت می‌خواهد. پس مرحله‌ی چهارم، جهت پابی این معدن، این انسان است.

جهت به سوی کیست؟ به سوی پایین تراز خود و رضایت به زندگی حیوانی و همین حیات دنیوی؟^۲ این تنزل است. انسان با کمترین مقایسه درمی‌یابد که از حیوانات بالاتر است. در نتیجه، هدفی برتر می‌یابد؛ حرکت به سوی بالاتر از خودمان. این تحرک است، رشد است. بالاتر از من کیست؟ آفریننده‌ی انسان که حاکم و خالق هستی است.^۳

۱. بهار، ج ۱۶، ص ۵۱، ح ۵۱، کافی، ج ۸، ص ۱۸۸.

۲. «ارضیم بالحیوة الدنيا». توبه، ۳۸.

۳. چنان‌چه در نماز هم به همین جهت آموزش داده می‌شود و در سجده می‌خوانیم: «سبحان ربی الاعلى و بحمدہ»؛ (پاک است خدای من که برتر است).

امامت، هدایت‌گر این حرکت و سیر صعودی است که پس از مقام رسالت، به این مهم می‌پردازد و اکنون عَلَم این حرکت را در دستان پرمهر مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام جست‌وجو باید کرد.

در مورد پرسش دوم هم باید گفت: منتظر مهدی، آماده است و برای حکومت حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام زمینه‌سازی می‌کند، چنان‌چه در حدیث آمده است: و يوْطُئُونَ لِلْمَهْدَى سُلْطَانَه.^۱

اهمیت این آمادگی و زمینه‌سازی را در پیام صادقانه‌ی امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌توان جست‌وجو کرد که در آن، از کم‌ترین آمادگی، سخن رفته است:

لَيَعْدَنَ أَحَدُكُمْ لِخُروجِ الْقَائِمِ وَلَوْ سَهْمًاً فَإِنَّ اللَّهَ إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ مِنْ نِتْيَتِهِ رَجُوتُ لَأَنَّ يُنَسَّى فِي عُمْرِهِ حَتَّىٰ يُدْرِكَهُ وَ يَكُونَ مِنْ أَعْوَانِهِ وَ أَنْصَارِهِ.^۲

هر یک از شما برای خروج قائم، باید آماده باشد، گرچه با فراهم کردن یک تیر باشد؛ چون وقتی خداوند بیسند کسی به نیت یاری مهدی عَلَيْهِ السَّلَام مسلح شده است، امید است که عمر او را دراز کند، تا ظهور او را درک کند و از یاوران آن حضرت باشد.

از طرفی مهم‌ترین لقب پیشوای منتظر، «قائم» است که برای احترام هنگام شنیدن آن، قیام لازم است، لیکن حکمت اجتماعی این احترام نیز ما را به معنای حقیقی انتظار رهنمون می‌سازد. انسان منتظر با این حرکت خود می‌خواهد نشان دهد که در حال آمادگی برای قیام و مبارزه و جهاد است.^۳ بعضی به اشتباه فکر

۱. میزان الحکمة، ج ۲، ص ۵۶۸؛ کنز العمال، ج ۳۸۶۵۷.

۲. الغيبة، نعمانی؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۶۶.

۳. آیة الله طالقانی رحمة الله می‌گوید: «این دستور قیام، شاید برای احترام نباشد، و گرنه برای خدا و

می‌کنند که همه‌ی کارها خود به خود و بدون زمینه سازی و آمادگی درست می‌شود! در حالی که هیچ‌گاه بنای عالم بر این استوار نبوده که بدون هیچ رنجی و جهادی، مشکلات بشر حل شود. سخنان حکیمانه‌ی امام باقر علیه السلام در این مورد، بسیار خواندنی است:

... قلت لأبي جعفر علیه السلام: إنهم يقولون: إن المهدى لو قام، لاستقامت له الأمور عفوأ ولا يهريق محجة دم. فقال: كلا، والذى نفسى بيده، لو استقامت لا حد عفوأ لاستقامت لرسول الله علیه السلام حين أدمي ثرباعيته وسبح فى وجهه، كلاً و الذى نفسى بيده حتى نمسح نحن وأنتم العرق والعلق؛ ثم مسح بجهته.^۱

... به خدمت امام محمد باقر علیه السلام عرض کرد: مردم می‌گویند چون مهدی قیام کند، کارها خود به خود درست می‌شود و به اندازه‌ی یک حجامت، خون نمی‌ریزد.

حضرت در پاسخ فرمود: هرگز، به خدای جان آفرین سوگند! اگر فرار بود کار برای کسی، خود به خود درست شود، برای پیامبر علیه السلام می‌شد، هنگامی که دنداش شکست و صورتش شکافت. هرگز چنین نیست که کار خود به خود درست شود. به خدای جان بخش سوگند! کار درست نخواهد شد تا این‌که ما و

^۱ رسول و اولیای مکرم دیگر هم باید به احترام، قیام کرد، بلکه دستور آمادگی و فراهم کردن مقدمات نهضت جهانی و در صفت ایستادن، برای پشتیبانی این حقیقت است....»، مجله‌ی «مجموعه‌ی حکمت»، شماره‌ی ۱ و ۲، سال سوم.

۱. الغيبة، نعمانی؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۸.

شما در عرق و خون عرق شویم. آن‌گاه به پیشانی خود دست کشید.

انتظار اصیل

اکنون با توجه به معنای لغوی و روایات انتظار و اقوال و دیدگاه‌ها در این زمینه، می‌توان گفت: انتظار نه احتراز است و گوشه نشینی، نه اعتراض و نفی طاغوت‌ها. در واقع، این‌ها حالت روحی و روانی محض هستند، بلکه انتظار، عمل و اقدام، پویایی و حرکت است. از این رو در روایات، انتظار بهترین و محبوب‌ترین عمل خوانده شده است.^۱

حقیقت انتظار بسیار بالاتر از این محدوده‌هاست. انتظار جنبه‌ی اثباتی دارد؛ یعنی آمادگی و اقدام. منتظر فرزند محبوب و دلدار عزیز، در خود و در محیط اطراف، نشان و اثر می‌گذارد. منتظر مهدی و قائم آل محمد علیهم السلام چگونه می‌تواند آماده نشود و زمینه سازی نکند، در حالی که به شمشیر زدن در رکاب پیامبر علیهم السلام برق دشمن^۲ تشبیه شده است.

اساساً انتظار خشک و خالی، به عبارت دیگر امید ذهنی بی آن که در جامعه تحقق یابد و آثارش آشکار شود، هیچ‌گاه بهترین عمل نخواهد بود و این معانی، حاکی از حضور در صحنه و فعالیت‌های علمی و کار و کوشش و زمینه سازی عینی است، نه نیت بدون عمل و امید ذهنی بدون آثار عملی.

پس انتظار به معنای آینده نگری، دگرگونی است و این دگرگونی به زمینه سازی، نیاز دارد.

۱. از سویی، انتظار در روایات، عمل خوانده شده. و از سوی دیگر در روایتی می‌خوانیم: نیة المؤمن خير من عمله؛ نیت در مقابل عمل قرار گرفته است. پس مراد از انتظار، نیت بدون عمل و امید ذهنی بدون آثار عملی نیست.

۲. «... كمن قارع مع رسول الله بسيفه». بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۶.

فصل دوم

ضرورت

الله

عقیده به ظهور مصلح و آمادگی برای انقلاب جهانی، چنان حیاتی و لازم بوده است که پیشوایان دینی انتظار را راهبرد مهم این برهه‌ی تاریخی دانسته، در دوران غیبت به آن فرمان داده‌اند.^۱ اهمیت و ضرورت دوره‌ی انتظار را می‌توان از زوایای مختلف بررسی کرد:

الف - توجه به معنا و حقیقت انتظار، همان‌گونه که گذشت، انتظار یک دوره‌ی آماده‌سازی و زمینه‌سازی است و هر انقلاب و حرکتی که این دوره را پشت سر نگذاشته باشد، ناقص و بی‌ثمر است. کسانی را می‌بینیم که به پا ایستاده‌اند و راه افتاده‌اند، ولی دوره انتظاری نداشته‌اند. گویا چیزی نمی‌خواسته‌اند و تنها بر اساس جوّ محیط و جریان حاکم به رفتن و ادار شده‌اند.

این‌ها بدون انتظار و بدون آماده‌باش در گام‌های نخست گرفتار شده‌اند و به خودخوری و فرار از خویشتن رسیده‌اند و سرانجام زیر فشار ابهام‌ها و اشکال‌ها،

۱. آن القائم منا هو المهدى الذى يحب أن ينظر فى غيبته و يطاع فى ظهره؛ منتخب الأثر، ص ۲۲۳، چون در لابه‌لای مباحث گذشته و آینده، از روایاتی در مورد ارزش و فضیلت و اهمیت انتظار سخن رفته است، در اینجا از پرداختن به این مسأله خودداری شده است. ر.ک: بحار الأنوار، ج ۵۲، صص ۱۲۲-۱۲۵، ۱۴۰ و ۲۲۳؛ الغيبة، نعمانی، ص ۲۰۰؛ منتخب الأثر، صص ۴۹۶-۴۹۸ و ۲۳۴؛ أصول كافى، ج ۲، ص ۱۷۶.

در مرحله‌ی فکر و اعتقاد، ظرفیت و تحمل، طرح و برنامه، اجرا و عمل، از کمبود امکانات گرفته تا نیازهای اقتصادی و نیازهای تخصصی و علمی، حتی آمادگی بدنی و توانایی جسمی، به انزوا و فرار از کار و جدایی از عمل روی آورده‌اند.

طبعی است آن‌ها که عمل زده بودند، بعدها با نفرت، عرفان زده، فلسفه زده و علم زده و کلاس زده هم بشوند و به دنبال پناه گاهی بگردند. باز هم طبیعی است که به پناهی نرسند و سرگردان بمانند.

بنابراین، برای هر انقلابی گذر از دوره‌ی انتظار ضرورت است و هر قدر اهداف انقلابی بزرگ‌تر باشد، دوره‌ی انتظار آن هم گسترده‌تر خواهد بود. سنت تغیرناپذیر الاهی، براین است که ایجاد تغیرات اصلاح گرایانه در گرو سلسله شرایط و زمینه‌های خارجی است و تا همه‌ی آن شرایط کاملاً تحقق نیابد، امکان رسیدن به هدف وجود ندارد.

بدین جهت، آیین اسلام پس از یک دوره‌ی طولانی و چندین قرن، ظهور کرد. جهان در انتظار ماند تا پنج قرن از جاهلیت بگذرد، نگاه آخرین پیام آسمانی به واسطه‌ی رسول گرامی اسلام ﷺ فرستاده شد.

این خاصیت انتظار است که تو را وادار می‌کند تا کمبودها را حدس بزنی و برای فراهم آوردن آن بکوشی. این خاصیت انتظار است که تو را به آمادگی و حضوری می‌رساند که مانع‌ها را بشناسی و برای زدودن آن‌ها، برنامه بسیزی. آن‌جا که انسان افراد استخوان‌داری را می‌بیند که پس از سال‌ها تحصیل چگونه سر در گم هستند و نمی‌دانند چه کنند و خسته و رنجور و آزرده شده‌اند، به این نتیجه می‌رسد که علت انزوا و خستگی این‌ها نداشتن دوره‌ی انتظار است.

این‌ها ندیده آمده‌اند و طبیعی است که با دیدن مشکلات، سرگردان شوند یا

این که تجدید نظر دوباره داشته باشند و از اساس، کارشان را درست کنند و بنیادی پیش بیایند.

ب. بررسی اوراق زرین تاریخ از طرفی، ضرورت و اهمیت دوره‌ی انتظار را از لابه‌لای صفحات تاریخ نیز می‌توان به دست آورد.

پس از رحلت رسول اکرم ﷺ و شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام و سیدالشهداء علیه السلام تا امروز، ریشه‌ی تمام حرکت‌ها و نهضت‌های شیعی علیه باطل و استثمارگران، همین فلسفه‌ی اجتماعی انتظار و عقیده به ادامه‌ی مبارزه تا پیروزی حق بوده است. این امر چنان مورد توجه بزرگان دین قرار گرفته تا آن جا که یکی از معیارهای پذیرش اعمال نامیده شده است.^۱

از مهم‌ترین رازهای نهفته‌ی بقای تشیع همین روح انتظاری است که کالبد هر شیعه را آکنده ساخته، پیوسته او را به کوشش و جنبش وامی دارد و از نومیدی و بی تابی و افسردگی و درماندگی او را باز می‌دارد. این تأثیر چنان ملموس و کارساز بوده که اسلام پژوهان غربی^۲ نیز از آن گفت و گو کرده‌اند.

خوشت آن باشد که سر دلبران گفته آید در حدیث دیگران

۱. عن أبي عبد الله علیه السلام أنه قال: ألا أخبركم بما لا يقبل الله عزوجل من العباد عملاً إلا به؟ فقلت: بلى، فقال... وانتظار القائم علیه السلام. امام صادق علیه السلام به راوي فرمود: آيا ملاک قبولی اعمال بندگان را به شما خبر دهم؟ راوي گفت: آري. امام فرمود: آن‌ها عبارت است از... و انتظار مهدی قائم آل محمد (عج)؛ الغيبة، نعمانی، ص ۲۰۰.

۲. به دلیل مفصل شدن کتاب از نقل نظریات دانشمندان مسلمان در اهمیت و ضرورت این دوران می‌گذریم. زیرا ما را از هدف اصلی دور می‌کند. شنیدن حقایق از زبان دیگران، اثر گذارتر و روشن‌گر بسیاری از واقعیت‌های پنهان می‌شود که ما به سبب تکرار و زیاد شنیدن از کتابشان به سادگی گذشته‌ایم.

«هانری کرین»^۱ اسلام شناس شهر فرانسوی می‌گوید:

...مفهوم غیبت، اصل و حقیقت غیبت هرگز در چارچوب
درخواست‌های دنیای امروز در معرض تفکر عمیق قرار نگرفته است...
معنای این امر به عقیده‌ی این جانب، چشم‌های بی‌نهایت وابدی از معانی
و حقایق است... معنویت اسلام تنها با تشیع، امکان حیات و دوام و
تفویت دارد و این معنا در برابر هرگونه تحول و تغییری که جوامع
اسلامی دستخوش آن باشند، پایداری خواهد کرد.

امام زمان، مفهوم اعلایی است که مکمل مفهوم غیبت است، ولی
کامل‌آبه شخصیت امام غایب، مرتبط است. این جانب، مفهوم امام غایب
را با روح غربی خودم به گونه‌ای نو و بکر، احساس و درک می‌کنم و چنین
به تفکر و دلم الهام می‌شود که رابطه‌ی حقیقی آن را با حیات معنوی بشر،
وابسته می‌دانم.^۲

جیمز دار مستر»^۳ شرق شناس معروف فرانسوی در این باره می‌گوید:

در حله که نزدیک بغداد است، همه روزه پس از نماز عصر، صد نفر
سوار با شمشیر بر هنه می‌رفتند و از حاکم شهر، اسبی بازین و برگ
می‌ستاندند و... فریاد می‌زدند: تو را به خدا، ای صاحب الزمان! تو را به
خدایرون بیا.

ی همچنین می‌گوید:

قومی را که با چنین احساسات پرورش یافته است، می‌توان کشتار

1. Hunry corban.

ت تشیع در دنیای امروز، سید محمدحسین طباطبائی، مقدمه: هانری کرین، صص ۲۵-۳۵

3. Jaimse Dar Mester.

۳۰ □ نگاهی دوباره به انتظار

کرد، اما مطیع نمی‌توان ساخت.^۱

«ماربین» محقق آلمانی می‌گوید:

«از مسائل اجتماعی بسیار مهم که سبب امیدواری و رستگاری

شیعه است، اعتقاد به وجود حجت عصر و انتظار ظهور است...»

(سیاست اسلام، ماربین، فصل هفتم، فلسفه مذهب شیعه صص ۴۹-۵۰).

«ای. ب. پتروشفسکی» تاریخ‌دان و ایران‌شناس علوم شوروی سابق، در این

زمینه می‌نویسد:

«چشم به راه مهدی بودن در عقاید مردمی که نهضت‌های قرن

سیزدهم را در ایران به پا داشتند، مقام بلندی داشته است، ولی در قرن

چهاردهم و پانزدهم میلادی، این عقیده راسخ‌تر و مشهودتر گشت.»

(نهضت سربداران خراسان، ای. ب. پتروشفسکی، ترجمه: کریم

کشاورز).^۲

ج. بررسی مواضع دشمنان در اهمیت دوران انتظار همین بس که دشمنان، آن

را مانع تسلط خود بر مسلمانان بر شمرده‌اند: «میشل فوکو، کلر بریر» در بحث

مبازه با تفکر مهدی باوری، نخست امام حسین علی‌الله‌سپس امام زمان (عج) را

طرح می‌کنند و دونکته را عامل پایداری شیعه می‌دانند: نگاه سرخ و نگاه سبز.

در کنفرانس «تل آویو» هم افرادی مانند «برنارد لوییس، مایکل ام جی.

جنشر، بروونبرگ و مارتین کرامر» بر این بحث خیلی تکیه می‌کنند. آن‌ها در

۱. مهدی از صدر اسلام تا قرن ۱۳ هجری، دارمیستر، ترجمه محسن جهان‌سوی، صص ۳۸، ۳۹.

۲. علاقه‌مندان به کتاب‌های «در انتظار ققنوس»، ص ۲۰۴ و «ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام»، ص ۲۳۹ مراجعه کنند.

بود که مهم‌ترین آن‌ها پیش‌گویی وی درباره‌ی ظهور نواده‌ی پیامبر اسلام در مکه مکرمه و متحده ساختن مسلمانان و پیروزی بر اروپاییان و ویران کردن شهرهای بزرگ سرزمین جدید (آمریکا) بود.^۱

هدف از این مانور تبلیغاتی، به تصویر کشیدن چهره‌ای خشن، بی‌رحم، ویران‌گر و گرفتار جنون قدرت از مهدی موعود، تحریک و بسیج عواطف ملل غربی علیه اسلام و منجی موعود آن و در کوتاه مدت، بستر سازی روانی بود.

به احتمال قوی با توجه به شواهد موجود، حملات تروریستی ۲۰ شهریور هشتاد به شهرهای واشنگتن و نیویورک نیز ادامه همان سناریوی از قبل تهیه شده‌ای است که پرده دیگری از آن به نمایش گذاشته شد تا با جلب عواطف و آرای مردم جهان علیه نهضتها و جنبش‌های اسلامی، بستر مناسبی برای سرکوب مبارزان و آزادیخواهان مسلمان در سراسر جهان فراهم شود.

فصل سوم

ابعاد



آن کس که در انتظار است، آماده می شود تا ضعف های خودش را بر طرف کند و مانع ها را بشناسد و در نقطه ضعف های دشمن خانه بگیرد و از آن سنگر بازد.

اکنون این پرسش مطرح است: آمادگی و زمینه سازی در کجا و به چه صورتی؟ برای توضیح این مطلب باید گفت: انسان منتظر باید از آمادگی همه جانبه برخوردار باشد؛ فکری و روحی، برنامه ریزی، عملی.

الف. قوام‌مندی‌های فکری

قفهای سنگین و رسالت‌های بزرگ، پایه‌های محکم می خواهد، پایه‌هایی که در شعور و احساس قرار گرفته باشند. بدین جهت رسول خدا ﷺ می فرماید:

لَكُلُّ شَيْءٍ دَعَامَةٌ وَ دَعَامَةٌ هَذَا الدِّينُ الْفَقَهُ وَ الْفَقِيهُ الْوَاحِدُ
أَشَدُّ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنْ أَلْفٍ عَابِدٍ.^۱

برای هر چیز، پایه‌ای است؛ اساس دین اسلام، فهم عمیق

۱. نهج الفصاحة، ح. ۹۰

است و یک فقیه در برابر شیطان، از هزار مسلمان عبادت‌گزار

[بدون شناخت] محکم‌تر و اثربار‌تر است.

بنابراین، در دوره‌ی انتظار، باید بنیان‌های فکری عمیقی پیدا کنیم تا در مقابل افکار و مکاتب مختلف از پانيفتیم؛ اما چگونه؟ بعضی خیال می‌کنند که برای انتخاب صحیح باید تمام مکاتب را شناخت، آن‌گاه انتخاب کرد، ولی این بررسی برای انتخاب کافی نیست. زیرا درست است که گفتند باید گفته‌های نیکو را گوش داد و بهترین را انتخاب کرد،^۱ ولی بهتر را باید با اصلی سنجید، این اصل کدام است؟

علی ﷺ می‌گوید: کفی بالمرء جهلاً أن لا يعرف قدره.^۲ در نادانی انسان همین بس که با تمامی اطلاعات و مطالعات بزرگ، معیاری نداشته باشی و اندازه‌ی خودت را نشناسی.

آن چه یک متظر باید در زمینه‌ی فکری به آن مسلح باشد، درک و شناخت قدر خویش است که معیار انتخاب مکتب‌هاست و انسان را در برابر افکار گوناگون راهنمایی می‌نماید و انتخاب بهترین را ممکن می‌سازد. چون بهترین‌ها در شعاری که ارائه می‌دهند، همراه مقایسه‌ای که در میان این شعار وجود من برقرار می‌شود، انتخاب می‌گردد.

با توجه به همین معیار است که می‌توانی کارگروه‌ها و مکتب‌های گوناگون را نقد بزنی. لازم نیست همه‌ی مکاتب را مطالعه کرد، بلکه همین قدر از مکاتب را باید دانست که طرح آن‌ها برای سرانجام انسان چیست؟ مثلاً وقتی شما می‌خواهید یک جفت کفش بخرید، تمام کفش‌های یک فروشگاه را آزمایش

۱. «فَبَشِّرْ عَبَادِي الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْنِي فَيَتَبَعُونَ أَحْسَنَهُ». (زم، ۱۸).

۲. نهج البلاغة، خطبه‌ی ۱۶.

نمی‌کنید. اندازه و شماره‌ی پا، شما را در انتخاب بهترین کمک می‌کند.

در باره‌ی مکتب‌ها و گزینش آن‌ها نیز چنین است؛ وقتی من اندازه‌ی واقعی انسانی خودم را کشف کردم و آن را شناختم، در پی این هستم که مکاتب مختلف، چه لباسی را برای این انسان می‌دوزند. آن وقت در می‌یابم لباس‌هایی را که آن‌ها برای من می‌سازند، حتی انگشت پای مرانمی‌تواند بپوشاند، جزو مکتب تشیع که آرمان‌ها و اهدافش با اندازه‌ی وجودی و ارزش واقعی انسان، هماهنگ است.

این راه، راه‌گشای بن‌بست‌های حیرت‌زاست. این شروع در ما جریانی پدید می‌آورد که از مطالعات و تفکرات دیگران هم می‌توانیم بهره ببریم و این جریان فکری است که در برابر فکر‌های گوناگون می‌تواند مقاوم باشد. آری انسان بی‌نهایت استعداد دارد.^۱ اگر این را باور کرده باشیم، هیچگاه آن جایگاهی را که داریم، پایان خط نمی‌دانیم و هماره مجبوریم حرکت کیم.

ب - توانمندی‌های روحی

منتظر باید در زمینه‌ی روحی نیز آمادگی بالایی داشته باشد تا در برابر حوادث و مصیبت‌ها از کوره در نرود و بار سنگین رسالت و آگاهی‌های عظیم را بر عهده گیرد. در واقع، ظرفیت وجودی مرا در کنار گرفتاری‌ها مقاوم می‌سازد، از این رو وقتی متظر دعا می‌کند، از خداوند شناخت می‌طلبد؛

اللهم عرفني نفسك..... خدايا؛ خودت را به من بشناسان.

همچنین ثبات قدم را می‌خواهد؛ ثبتنی علی دینک. نیز پایداری صبر را

۱. أَتَزَعْمُ أَنَّكَ جَرْمٌ صَغِيرٌ وَ فِيكَ أَنْطُوْيُ الْعَالَمُ الْأَكْبَرُ؛ رِيَاضُ السَّالِكِينَ، ج ۷، ص ۲۱۹، تفسیر صافی،

درخواست می‌کند؛ صبر نی علی ذلک.^۱ منتظر باید از چنان روحیه‌ای برخودار شود که همراه رنج‌ها و سختی‌ها، راحتی‌ها را داشته باشد. زیرا در زمان غیبت، مردم مورد سخت‌ترین امتحانات قرار می‌گیرند و زیر و رو می‌شوند. چنان‌چه امام باقر علیه السلام در پاسخ یکی از یاران که پرسید: فرج شما چه وقت است؟ فرمودند:

هیهات، هیهات لا تكون فرجنا حتى تغربلوا ثم تغربلوا -

يقولها ثلاثاً - حتى يذهب الكدر و يبقى الصفو.^۲

هرگز هرگز، به این زودی فرج ما نرسد تا غربال شوید، باز هم غربال شوید و باز هم غربال شوید تا کدورت‌ها بروند و صفا بمانند.

ایجاد روحیه، امر مهمی است که در دوره‌ی انتظار باید حاصل شود، ولی مهم‌تر از آن، راه‌های ایجاد این روحیه است که چگونه و با چه روشی این روحیه در منتظر پدید می‌آید. اکنون به مواردی اشاره می‌کنیم:

۱. درک قدر

آدمی که اندازه‌ی خودش را شناخته، به سبب کمترها توفان نمی‌گیرد و از جا نمی‌کند. ظرفیت و وسعت روحی ما در آن چه بر ما اثر می‌گذارد، و آن را خوب می‌شماریم و به آن اهمیت می‌دهیم، مشخص می‌شود. زیرا امام علی علیه السلام می‌گوید:

قيمة كلّ أمرٍ ما يحسنه؛^۳ قدر الرّجل على قدر همته؛^۴

۱. مفاتیح الجنان، دعای غیبت امام زمان (عج).

۲. اثبات الهداء، ج ۷، ص ۲۴.

۳. نهج البلاغه، قصار الحكم، شماره ۸۱

۴. نهج البلاغه، کلمات قصار، ش ۴۷.

ارزش آدم به اندازه‌ی همان چیزی است که بر او اثر می‌گذارد و برای او اهمیت دارد.

پس باید به این مرحله برسیم که ارزش وجودی خودمان از چیزهایی که برای ما اهمیت دارند و بر ما اثر می‌گذارند، بالاتر است. پس همت‌هایمان فراتر می‌رود تا آن‌جا که حرکت می‌کنیم و در این حرکت با مسایلی روبرو می‌شویم که پیش‌اپیش، آماده شده بودیم.

هرچیز که در جستن آنی، آنی

این نکته‌ی رمز گردانی، دانی

تا در هوسر لقمه‌ی نانی، نانی

تادر طلب گوهر کانی، کانی

۲. رفت ذکر

رفعت ذکر هم سبب وسعت صدر می‌تواند باشد و قرآن چه زیبا به این موضوع اشاره دارد؛ **﴿أَلم نشرح لك صدرك و وضعنا عنك وزرك و رفعنا لك ذكرك﴾**.^۱ آن‌جا که ذکر و یاد تورا، نه اسم و نام تورا (نفرمود: و رفعنالک اسمک بالا بردیم، در تو وسعتی پدید آوردیم و بارهای سنگین و کمرشکن را از تو برداشتم، تا آن‌جا که تو همراه هر رنج، دوراحتی می‌دیدی؛ **﴿فَانَّ مَعَ الْعُسْرِ يَسْرًا وَ مَعَ الْيُسْرِ عَسْرًا﴾**.^۲ تکرار نکره صفحه‌ی بعد، یسر بدون الف و لام، است. پس همراه هر رنج، دوراحتی هست که تو ورزیده شده‌ای و بارفعت یاد و ذکر به وسعت سینه، راه یافته‌ای.

۳. دیدن تمام راه

کسی که تمامی راه را دیده، مانع‌ها را شناخته است، این وجود آگاه مطلع

۱. الشرح، ۱.

۲. الشرح، ۵ و ۶

منتظر است و از دیدن حوادث و گرفتاری‌ها نمی‌لرزد. زیرا از پیش آماده شده، به انتظار نشسته است. کسانی می‌لرزند که با رؤیاها و توقع‌های بی‌حساب، راه افتاده‌اند و به گمانشان تا راه افتادی، تمام دشمن‌ها برایت نقل و نبات می‌آورند. ولی آنان که مانع‌ها را دیده‌اند و برای مبارزه با آنها آماده شده‌اند به وسعت روحی رسیده‌اند و با استقامت و مجاهدت به پیمودن راهشان ادامه می‌دهند.

۴. اطاعت و تقوا

کسی که حدود را می‌شناسد و تکلیف‌ش را می‌داند و به این تکلیف می‌خواهد عمل کند، دیگر فشاری ندارد، بلکه در جایگاه امن نشسته است؛ «إِنَّ الْمُتَقِينَ فِي مَقَامِ أَمِينٍ».^۱ وجودی که تکلیف‌ش را شناخته، وحی را می‌فهمد، از آن چه پیش می‌آید، و حشت ندارد، حتی با آن چه می‌شود، کاری ندارد.

آن رسول عزیز ﷺ می‌فرمود: ما کنت بدعماً من الرّسل؛ من از میان رسولان بدعت و چیز تازه‌ای نیاورده‌ام. و ما ادری ما يفعل بی و لا بکم؛ حتی نمی‌دانم که برای من و شما، چه پیش می‌آید. «إِنَّ أَتَّبَعَ إِلَّا مَا يُوحَى إِلَيْهِ».^۲ من فقط بر روی مرز و به دنبال وحی حرکت می‌کنم. زیرا همین اطاعت و تقوا و عمل به وظیفه است که امن می‌آورد و از بن بست بیرون می‌کشد؛ «وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلُ لَهُ مَخْرَجاً».^۳

۱. دخان، ۵۵.

۲. احقاف، ۹ و ۱۰.

۳. طلاق، ۲.

۴. □ نگاهی دوباره به انتظار

۵. پیوند با خدا

رزق انسان فقط در خواندن کتاب نیست. مطالعه‌ی آفاق و انفس هم آیه‌ها و نشانه‌هایی را در پی دارد و مایه‌های فکری و روحی انسان را استحکام می‌بخشد. افزون بر این، کسانی که روز را با خلق خدا به سر می‌برند، باید در شب به یاد خدا باشند و از قرب او رزق بگیرند، تا بار برخوردهای سنگین و درگیری‌های مستمر روزانه را بتوانند به دوش بگیرند.

به همین دلیل، رسول باید پیش از قیامش در روز، شبانه برخیزد و قرآن را آرام آرام بخواند و با ترتیل در وجودش بشاند؛ چون می‌خواهد قول ثقيل و رسالت سنگینی را بر دوش بگیرد.^۱ این پیوند شبانه و دعا، قرائت یا قیام فراهم کننده‌ی رزق روزانه‌ی مؤمن منظر است که سوخت و ساز و درگیری و برخوردهای شکننده دارد.

۶. تمرین و ممارست

اگر انسان با آن شناختی که یافته، زندگی کند؛ یعنی؛ آن چه فهمید، حرکت و تمرین کند، بارهای سنگین را می‌تواند بردارد. چنین کسانی به ثبات می‌رسند؛ **(مثلاً کلمة طيبة كشجرة طيبة أصلها ثابت و فرعها في السماء)**^۲، یک انسان پاک مثل درخت پاک است، ریشه‌های ثابتی دارد و شاخ و برگ گسترده. **(يثبت الله الذين امنوا بالقول الثابت)**^۳ کسانی که ایمان آورده‌اند، با گفته‌های ثابت تثبیت می‌شوند. آن یافته‌های انسان، اگر در او

۱. **(يَا أَيُّهَا الْمَرْءَلْ قَمِ اللَّيلَ إِلَّا قَلِيلًا نَصْفَهُ أَوْ اَنْقُصَ مِنْهُ قَلِيلًا أَوْ زَدَ عَلَيْهِ وَرَسَلَ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا)**:

مزمل، ۱ - ۵.

۲. ابراهیم، ۲۴.

۳. ابراهیم، ۲۷.

၁၃၇၂ ခုနှစ်၊ မြန်မာနိုင်ငြန်တော်လွှာ၊ မြန်မာနိုင်ငြန်တော်လွှာ၊ မြန်မာနိုင်ငြန်တော်လွှာ၊

၁၇၀၀ ခုနှစ်မြန်မာရုပ်ပိုင်ဆောင်ရွက်မှုများ

గుర్తించాలని అన్నాడు. కానీ మహాత్మ నేహేరు ప్రాణికి విషాదించి ఉన్నాడని అన్నాడు.

ମୁଖ୍ୟ ପରିକାଳିକା ଏବଂ ଅଧିକାରୀ ମହାନ୍ତିର ଲକ୍ଷ୍ୟରେ ଯଦୁକାରୀ

ମୁଦ୍ରଣ ଶବ୍ଦ

५८२

၁၃၆၂၁၇၈၇။ ၁၃၆၂၁၇၈၇။ ၁၃၆၂၁၇၈၇။ ၁၃၆၂၁၇၈၇။

၁၇၂၆ ခုနှစ်၊ ၁၇၃၀ ခုနှစ်၊ ၁၇၃၄ ခုနှစ်၊ ၁၇၃၈ ခုနှစ်၊ ၁၇၄၂ ခုနှစ်၊ ၁၇၄၆ ခုနှစ်၊

କ୍ରୂଣି ଦୁଃଖରେ ନାହିଁ ଏହାର ପାଇଁ କିମ୍ବା କୁଣ୍ଡଳ ଦେଖିଲା ତାଙ୍କି ହୀରା

ପ୍ରକାଶନ ବିଷୟ

କେବଳ ପାତାରେ ଶବ୍ଦିତ ହୋଇଥାଏନ୍ତି କିମ୍ବା କିମ୍ବା

26

כְּזַבְּדָה
בְּזַבְּדָה

၁၃၈၄ ခုနှစ်၊ ၁၆ ဧပြီ၊ ၁၂၁၀၁။

၁၃၁၂ ၁၃၁၃ ၁၃၁၄ ၁၃၁၅ ၁၃၁၆ ၁၃၁၇ ၁၃၁၈ ၁၃၁၉ ၁၃၁၀ ၁၃၁၁

• 16 - 660

هدف‌های کوچک هنگامی که خرد نشوند، ناممکن و محال جلوه می‌کنند.

۳. ابتلاء بر فقه و آگاهی

اکنون این طرح و تقدیر، انسان منتظر را از پراکنده کاری و دوباره کاری و خراب کاری، نگه می‌دارد؛ چون کارهای پراکنده در طرح، جان گرفته، به سوی هدف، هماهنگ گردیده، از فقه و آگاهی، برکت می‌گیرد.

قرآن مجید به عواملی اشاره می‌کند که با همراهی آن‌ها، انسان منتظر در برابر دشمن - هرچند ده برابر باشد - نه تنها مقاوم، که پیروز می‌گردد. قرآن به ما می‌آموزد که همراه عناصری بر دشمن غلبه خواهید یافت. آن‌گاه در بیان علتش می‌فرماید: «**بأنهم قوم لا يفهون**»^۱؛ چون آن‌ها بینشی ندارند.

پس عنصر فقه همراه عناصر صبر، تجمع و ایمان مؤمن منتظر را در برابر دشمن که ده برابر اوست، می‌تواند به پیروزی رساند.

د - توانمندی در عمل

در مرحله‌ی عمل، به دو عامل دیگر نیاز است. که در روش تربیتی انبیا از آن سخن به میان رفته است؛ «**لقد أرسلنا رسلنا بالبيانات و انزلنا معهم الكتاب والميزان**»^۲. همه‌ی انبیا افزون بر بینات، همراه با کتاب و میزان بوده‌اند. در بینش دینی، افراد نه با عمل که با بینش شان از یک عمل، به ارزش می‌رسند. در بینش اسلامی، همه مسئول هستند؛ کلّکم راعٍ و کلّکم مسؤول عن رعیته.^۳

انجام دادن چنین مهمی، به دو عامل دیگر نیازمند است، کتاب و میزان؛ یعنی

۱. انفال، ۶۵.

۲. حديد، ۲۵.

۳. ارشاد القلوب، ص ۱۸۴؛ تنبیه الخواطر، ج ۱، ص ۶

با کتاب، به ضابطه‌ها برسد و دستورها را بشناسد و هنگام تراحم دو دستور، با میزان‌ها و معیارها، از بن بست بیرون بیاید.

۱. کتاب

منظور از کتاب، همین قرآن، تورات و انجیل نیست و این پیداست که همه‌ی انبیاء، صاحب کتاب‌هایی مثل تورات و انجیل و زیور و قرآن نبوده‌اند. این کتاب همان ضابطه‌ها و دستورهای مکتوب است؛ ﴿کتب عليکم الصیام﴾^۱ و ﴿کتب عليکم القتال﴾^۲.

منتظر مؤمن که خودش را در دنیای رابطه‌ها می‌بیند و در میان نظام، علیتی و علمی می‌شناسد، این‌گونه نمی‌تواند اقدام کند، بلکه برای هر رابطه، به ضابطه و دستور نیاز دارد؛ چون انسان، نه تنها از عبادالله و بلا لله، از بیابان‌ها و چهارپایان هم بازخواست می‌شود.^۳

۲. میزان

به اندازه‌ی تمامی پدیده‌ها، تکلیف و حکم هست. این تکالیف خود با هم تعارضی ندارند، ولی مسأله آن جا سبز می‌شود که این‌ها در یک زمان به سراغ تو بیایند. اگر در یک زمان محدود با تمامی این دستورها، رو به رو شوی، چه می‌کنی؟ آیا به کاری می‌پردازی و بقیه را می‌گذاری یا غصه‌ی کارهای مانده را بر دلت بار می‌کنی یا در هنگام تراحم، دنبال معیار و میزان می‌گردی؟ این میزان‌ها عبارت است از:

۱. بقره، ۱۸۳.

۲. نساء، ۷۷.

۳. «اتقوا الله في عباده و بلاده فأنكم مسؤولون حتى عن البقاع والبهائم». نهج البلاغة، خطبه‌ی ۱۶۷.

ا - توجه به عامل، جهت و اثر عمل

برای فهم حکم و حقیقت آن، توجه به امور پیش گفته لازم است. بدین سبب، مؤمن منظر در حکمی که می‌شنود و عملی که می‌خواهد بیاورد، باید به این میزان‌ها توجه کند که چه عاملی اور اوادار می‌کند و چه جهتی اور ارمی خواند و این عمل سازنده‌تر است یا عمل دیگر.

ب - اهمیت، صعوبت و مخالفت هوس

هنگامی که به دو کار بخورد می‌کنی، نگاه کن که خدا کدام یک را بهتر می‌پسندد و کدام یک اهمیت بیشتری دارد. اگر در نظر خدا برابر بودند، بین کدام بر تو سخت‌تر است. آن چه سخت‌تر است، سازنده‌تر خواهد بود؟ ^۱ افضل الأعمال أحمزها.

آن جا که در صعوبت با هم یکسانند، معیار مخالفت با هوس در میان است.

امام علی علیه السلام در شمارش خصلت‌های برادرش می‌فرماید:

وَكَانَ إِذَا بَدَهُهُ أَمْرَانِ يَنْظُرُ أَيُّهُمَا أَقْرَبُ إِلَى الْهُوَى فِي خَالِفَهُ.^۲

آن جا که با دو کار ناگهانی رو به رو می‌شد، او مسلط بود می‌دید آن چه به هوا نزدیک‌تر بود، با آن مخالفت می‌کرد و آن را کنار می‌زد.

گفتنی است: این میزان حساب شده است؛ چون کاری که بر تو فشار بیشتری می‌آورد، به تو قدرت بیشتری خواهد داد و تو را به معراج بالاتری خواهد رساند.

ج - اصول عملیه (برائت، استصحاب، احتیاط، تخيیر)

۱. بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۱۹۱؛ مجمع البحرين، ج ۴، ص ۱۶.

۲. نهج البلاغة، حکمت ۲۸۹.

لشیوه

အေဒီ ၁၇၅၂ ခုနှစ်၊ မြန်မာ တိပိဋကဓရ ဘဏ္ဍာရေး လုပ်ချုပ်၏
ဘဏ္ဍာရေး မြန်မာ တိပိဋကဓရ ဘဏ္ဍာရေး လုပ်ချုပ်၏ အေဒီ ၁၇၅၃
ခုနှစ်၊ မြန်မာ တိပိဋကဓရ ဘဏ္ဍာရေး လုပ်ချုပ်၏ အေဒီ ၁၇၅၄

می‌شماری، فزونی می‌باید. باید به عکس رفتار کرد تا خیرها زیاد شوند و شرها عقیم بمانند.^۱

۳. عمل منتظر در زمان و مکان مناسب باید انجام گیرد، چون درست است که توایین خون‌های خود را در راه امام حسین علی‌الله‌اش دادند، اما اگر این خون‌ها در روز تاسوعاً به حسین می‌رسید، شاید عاشورایی پیش نمی‌آمد؛ «سارعوا الی مغفرة من ربکم».^۲

۴. منتظر از افراط و تقریط باید بپرهیزد و از سنت جدا نشود؛ لازمه الا باصابة السنة.^۳

۵. جهت و هدف عمل منتظر باید مشخص باشد؛ من أبدى صفحته للحق هلك. کسی که رودرروی حق حرکت کند، نابود می‌شود.

۶. منتظر به ظاهر عمل خود مغروف نشود که ارزش عمل مناسب بانیت است؛ حاسبوها قبل آن تحاسبوا^۴، نه حاسبوا أعمالکم؛ یعنی نیت‌های خود را محاسبه کنید.

۱. و استقلال الخير و ان كثر من قولى و فعلى و استكثار الشر و ان قلّ من قولى و فعلى. مفاتيح الجنان، دعائی مکارم الاخلاق.

۲. آل عمران، ۱۲۳.

۳. تحف العقول، ص ۴۳.

۴. نهج البلاغة، خطبه‌ی ۱۶، سطر ۷.

۵. نهج البلاغة، خطبه‌ی ۹۰، سطر ۸.



၁၃၆

ရွှေမြန်မာ

କେବଳ ଏହି ଜୀବନରେ ମାତ୍ରାକୁ ପରିଦର୍ଶନ କରିବାକୁ ପାଇଲୁ ଥାଏ ଏହା
କିମ୍ବା ଏହାକୁ କିମ୍ବା ଏହାକୁ କିମ୍ବା ଏହାକୁ କିମ୍ବା ଏହାକୁ କିମ୍ବା
ଏହାକୁ କିମ୍ବା ଏହାକୁ କିମ୍ବା ଏହାକୁ କିମ୍ବା ଏହାକୁ କିମ୍ବା

یکم. بحران‌ها

بشر بحران زده‌ی این عصر، به جهت تشنگی فراوان روحی برای دستیابی به پایگاهی استوار و جاوید، هر روز به سویی سرمی کشد؛ لیکن چون به سرچشمه‌ی حیات دست نمی‌یازد، به مرداب‌ها و باتلاق‌ها می‌رسد که نه تنها تشنگی او را رفع نمی‌کند، بلکه بر بیماری‌های روحی و جسمی او می‌افزاید.

اندیشه‌ی «مصلح جویی» را نتیجه‌ی اضطراب و خستگی از اوضاع مسلط بر جهان می‌توان دانست که متفکران تهی از معنویت را، به سمت ارائه‌ی نظریه‌ها یا اندیشه‌های نوین، برای دگرگون کردن این اوضاع فاسد‌کشانده است.

این بحران‌ها و بن‌بست‌ها، توده مردم را به سته آورده است؛ چنان‌که بارها، با فریاد اعتراض خود،^۱ راه‌گریز از وضعیت فعلی را انتظار می‌کشند. بنا بر این «انتظار» در بحران‌ها، ظلم و ستم‌ها، جهل و نادانی‌ها و فریب و رنج و فقر می‌تواند ریشه داشته باشد.

این بحران‌ها یکی از اساسی‌ترین ریشه‌های «انتظار» در توده مردم است. سوگمندانه باید گفت که پیشرفت علوم طبیعی در جهان‌کنونی، نه تنها سبب انحطاط اخلاق و تحقیر انسانیت در جوامع بشری شده است؛ بلکه اصل حیات و بقای نسل بشر را در روی کره زمین به خطر افکنده است.

از طرف دیگر، درهای امید برای نجات از وضع کنونی بسته شده است و سازمان‌هایی که بدین منظور پدید آمده‌اند، کارآیی لازم را ندارند و ابزار دولت‌های بزرگ شده‌اند. تنها روزنه‌ی امید برای خروج از این نابسامانی‌ها،

۱. مجله نیوزویک News Week ۲۲ آگوست ۱۹۹۹ در یک گزارش ویژه، جمله بسیار مهمی دارد. (چه باید کرد؟) انسان به بحران رسیده و انسانی که به بحران برسد. What Must Be Done? ناخودآگاه چشمتش به آسمان و آینده است. (به نقل از ماهنامه موعود، سال پنجم، شماره ۲۵).

یک انقلاب همه جانبه و ظهور «مصلح و منجی» جهانی است.

دوم. ساختار وجودی انسان و جهان متحول

ساختار وجودی انسان، به شکلی است که اگر تمامی لذت‌های دنیا را هم به او بدهند و به تمامی آرزوهای مادی خود برسد، آرام نمی‌گیرد و وجود او پر نمی‌شود. زیرا دل آدمی بزرگ‌تر از رحم دنیاست و با این امور محدود لبریز نمی‌شود.

داستان بن بست و کمبود معنویت انسان قرن بیست و یکم نیز بیانگر همین حقیقت است. بسیاری از دانشمندان غربی اعتراف می‌کنند که امروز دنیا به خستگی رسیده است... یکی از ویژگی‌های لذت جسمی، این است که انسان پس از مدتی به خستگی می‌رسد. در آمریکا اعلام شد: می‌خواهیم تظاهرات کنیم برای این که خدا بروگرد.^۱

این ویژگی انسان، او را با عالم دیگر پیوند می‌دهد و ایمان به غیب و گرایش به ماورای حسیات را برای او به ارمغان می‌آورد. انسان وقتی ارزش وجودی خود را دریافت یا احتمال داد که دنیاهای گسترده‌تری وجود دارد؛ احساس تنگنا می‌کند. با این شناخت است که دنیا زندان مؤمن می‌شود. چنان که امیر مؤمنان علیہ السلام در خطبه‌ی متقین به این نکته اشاره فرموده است: «آنان با سرپوش اجل در دنیا نگه داشته شده‌اند.»^۲

آب درون ظرف، وقتی حرارت می‌بیند و ناخالصی‌ها یش جدا می‌شود، سبک شده، بخار می‌گردد. اگر درپوش ظرف نباشد، پرواز می‌کند. آدمی نیز این

۱. ماهنامه موعود، سال پنجم، شماره ۲۵.

۲. لولا الأجل الذي كتب الله عليهم لم تستقر أرواحهم في أجسادهم...؛ نهج البلاغة، صحیح صالح، خطبه‌ی ۱۹۳.

چنین به پرواز درمی آید و این بزرگی روح، به جهت ایمانی است که او را با عالم دیگر پیوند داده است.

دنیا برای او تنگ است، اما برای کافر بزرگ و بهشت است. چون چیز دیگری نمی خواهد؛ لیکن برای مؤمن زندان است^۱. چون به وسعت رسیده، دنیا، پیش او جز متاعی اندک چیز دیگری نیست.

انسان، همواره کنجکاو و پرسش‌گر است و این از خصوصیات فطری و ذاتی است. کودکان از بس می پرسند، اطراقیان را خسته می کنند؛ در حالی که پرسیدن راکسی به آنان یاد نمی دهد. این ویژگی در درون آدمی است؛ او می خواهد به عوالم دیگر راه پیدا کند. پیشرفت‌های علمی و فضایی قرن حاضر، به جهت همین حس کنجکاوی و ویژگی پرسش‌گری انسان است.

گویا آدمی مدام به دیوار می کوید تا از آن طرف دیوار باخبر شود و از حصار دنیا رهایی یابد.

در اندرون من خسته دل ندانم چیست^۲ که من خموشم و او در فغان و در غوغاست وقتی نگاه انسان به دنیا، تغیر کرد و دنیاهای آینده را با تمام وجود طلبید؛ به دنبال شخصی می گردد که او را به آن سامان، ره نماید. او منتظر و نیازمند وجودی است که وی را با خود، به بلندای روح انسانیت ببرد. این انسان، به رغم برخورداری از رفاه، عدل ظاهري و... باز منتظر است؛ چون دو عنصر او را در التهاب و یقراری نگه می دارد: ترکیب وجودی انسان؛ جهان متحول و چهار فصل.

رشد سریع اسلام در اروپا و اسایر کشورهای غربی، با وجود برخورداری از

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۶۳، ج ۵۷۶۲؛ الدنيا سجن المؤمن و جنة الكافر.

۲. حافظ.

امکانات مدرن، از همین ویژگی خبر می‌دهد. احساس غربت ناشی از زندگی صنعتی، در مقابل معنویت و صمیمت دین، سبب شده تا انسان مججهز به تکنیک و فن آوری، با مذهب پیوند بخورد. زیرا علم و دانش هرچند بسیاری از سؤالات انسان را پاسخگوست و قدرت و صنعت هم امکانات و رفاه را برای آدمی به ارمغان می‌آورد، اما انسان با این امکانات زودتر به بنبست می‌رسد.

وی قبل از رسیدن به این امکانات، خیال می‌کرد با آن‌ها به آرامش می‌رسد و با این آرزو تا مدتی دلخوش بود؛ اما با دست یافتن به رفاه، در واقع به آخر خط رسیده است. چون احساس غربت و تنها بی او بیشتر شده، فریاد اعتراض انسان معاصر بلندتر از دیروز به گوش می‌رسد.

اوژن یونسکو، نویسنده‌ای که با نوشتن نمایشنامه‌های پوچی مثل کرگدن و آوازه خوان طاس شهرت یافت، در آخرین مصاحبه‌اش می‌گوید:

... حقیقت این است که ادبیات دیگر چیز مهمی به من نمی‌گوید...
من یک عمر به نوشتن نمایشنامه، پشت نمایشنامه ادامه دادم. چون کار دیگری نمی‌توانstem بکنم؛ اما همیشه حسرت این را داشتم که کاش توانسته بودم کار دیگری بکنم... کاش استعدادش را داشتم که راهب بشوم... تنها یک امید باقی می‌ماند. روز رستاخیز.^۱

ناتانیل براندون درباره‌ی همین پوچی و کمبود معنوی می‌نویسد. او نخست مردی را وصف می‌کند که جذاب، چهل ساله، با حرارت و پرانرژی، شیک، خوشگذران و متجدد است. از مسافرت‌ها و عیاشی‌هایش تعریف می‌کند، اما ناگهان با همه توصیف‌ها، درخواست گفت و گویی خصوصی و صمیمانه را

۱. از پوچی تا خدا، ترجمه‌ی سعید شهرتاش (به نقل از انتظار و انسان معاصر، عزیز الله حیدری).

၁၃၂။ မြန်မာစာတော်လုပ်ချုပ်

၁၃၃။ မြန်မာစာတော်လုပ်ချုပ်

၁၃၄။ မြန်မာစာတော်လုပ်ချုပ်

၁၃၅။ မြန်မာစာတော်လုပ်ချုပ်

၁၃၆။ မြန်မာစာတော်လုပ်ချုပ်

၁၃၇။ မြန်မာစာတော်လုပ်ချုပ်

၁၃၈။ မြန်မာစာတော်လုပ်ချုပ်

၁၃၉။ မြန်မာစာတော်လုပ်ချုပ်

၁၄၀။ မြန်မာစာတော်လုပ်ချုပ်

၁၄၁။ မြန်မာစာတော်လုပ်ချုပ်

၁၄၂။ မြန်မာစာတော်လုပ်ချုပ်

၁၄၃။ မြန်မာစာတော်လုပ်ချုပ်

မြန်မာစာတော်လုပ်ချုပ်

မြန်မာစာတော်လုပ်ချုပ်

မြန်မာစာတော်လုပ်ချုပ်

မြန်မာစာတော်လုပ်ချုပ်

မြန်မာစာတော်လုပ်ချုပ်

မြန်မာစာတော်လုပ်ချုပ်

မြန်မာစာတော်လုပ်ချုပ်

မြန်မာတော်သားရှုရှိ၊ အောင် ၈၇၆

၁၃၁၀ ခုနှစ်၊ အောင် ၂၅၁၄ ခုနှစ်

၁၃၁၈ ခုနှစ်၊ အောင် ၂၅၁၅ ခုနှစ် အား ၁၃၁၉ ခုနှစ်

၁၃၁၉

အောင် ၁၃၁၉ ခုနှစ်၊ အောင် ၂၅၁၉ ခုနှစ်

၁၃၁၉ ခုနှစ်၊ အောင် ၂၅၁၉ ခုနှစ်

၁၃၁၉ ခုနှစ်၊ အောင် ၂၅၁၉ ခုနှစ်

၁၃၁၉

အောင် ၁၃၁၉ ခုနှစ်၊ အောင် ၂၅၁၉ ခုနှစ်

၁၃၁၉ ခုနှစ်၊ အောင် ၂၅၁၉ ခုနှစ်

အောင် ၁၃၁၉ ခုနှစ်၊ အောင် ၂၅၁၉ ခုနှစ်

၁၃၁၉

အောင် ၁၃၁၉ ခုနှစ်၊ အောင် ၂၅၁၉ ခုနှစ်

وقتی انسان، این مدعیان ناتوان را می‌بیند و عجز و محدودیت آنان را حس می‌کند، تجربه جدیدی از انتظار می‌یابد. گویا این عبارات جان تازه‌ای می‌گیرد؛ وقتی مهدی فاطمه ظهور کند، زمین از عدل و داد پر می‌شود، همان گونه که از ظلم و جور پر شده بود.

چهارم. ملاقات‌ها و راهنمایی‌ها

روی بینما و وجود خودم از یاد ببر^۱ خرمن سوختگان را همه گو باد ببر^۱

عامل چهارم انتظار، در ملاقات‌ها و هدایت‌های او در بررهه‌های مختلف زمان، مبتلور است. او همچون فرشته‌ای مهربان و راهنمایی دلسوز افرادی را انتخاب و از جام ملاقات، سرشار می‌سازد. مشکلات و گرفتاری‌های عده‌ای نیز با توسّل به آن حضرت به شکل معجزه‌آسایی حل می‌شود. این گونه برخوردها بدین جهت است که در عصر حاکمیت غفلت و بی‌خبری، ریشه‌های انتظار تقویت شود.

اصولاً این سنت الاهی است که در متن سرگرمی‌ها و لهو و لعب‌ها، آهنگ بیداری و نوای هدایت نواخته می‌شود؛ مثلاً در زمان انکار قیامت «عَزَّیْر» پیامبر صد سال به خواب می‌رود و دوباره بیدار می‌شود یا داستان اصحاب کهف رخ می‌دهد تا به رگ‌های بی‌رمق جامعه‌ی آن روز روح تازه‌ای دمیده شود و انسان‌ها، از نعمت هدایت بهره‌مند شوند.

امروز نیز دعوت‌ها و هدایت‌های بیشماری از سوی حضرت ولی عصر علی‌الله^ع، با همین انگیزه صورت می‌گیرد؛ حتی گرفتاری‌ها و بلاهانیز به طور مستقیم یا

၁၀၈၂ ၁၃၂၇ ၁၇၂၇ ၁၇၂၉ ၁၇၂၉ ၁၇၂၉ ၁၇၂၉

କ୍ଷୀର ଦେଖିବାରେ ହେଲା ମନ୍ଦିର

၁၃၁၂ ခုနှစ်၊ ၁၃၇၅ ခုနှစ် (၁၃၇၅) ခုနှစ် နေ့၊ ၁၃၇၅ ခုနှစ်

Հայոց մատուցութեան առաջարկութեան համար

၁၁၆၂ နှင့် ၁၁၇၀ ခုနှစ်တွင် မြန်မာ အနေဖြင့် ပြည်သူ့ အနေဖြင့် မြန်မာ အနေဖြင့်

၁၃၈၂ ခုနှစ်၊ မြန်မာနိုင်ငြန်တော်လွှာ၊ မြန်မာနိုင်ငြန်တော်လွှာ

የዕለታዊ ስራውን በኋላ እንደሆነ ተከተል ተችሱ ተስፋል ተስፋል ተስፋል ተስፋል ተስፋል ተስፋል

﴿إِنَّمَا يُحِبُّ الْمُجْرِمُونَ﴾

၁၃၂။ မြန်မာနိုင်ငံ၏ ပုဂ္ဂန်များ

۱۰۷

၁၃၆၂ ခုနှစ်၊ ၁၇၁၈ ခုနှစ်၊ ၁၇၂၀ ခုနှစ်၊ ၁၇၂၅ ခုနှစ်၊ ၁၇၂၉ ခုနှစ်၊ ၁၇၃၀ ခုနှစ်

ମୁଖ୍ୟମନ୍ତ୍ରୀ ପାଇଁ କିମ୍ବା କିମ୍ବା କିମ୍ବା

၁၃၂၀၁၂ ၁၇၈၉ ၁၇၈၀ ၁၇၈၁ ၁၇၈၂ ၁၇၈၃ ၁၇၈၄ ၁၇၈၅ ၁၇၈၆ ၁၇၈၇ ၁၇၈၈ ၁၇၈၉ ၁၇၈၁၀

፳፻፲፭ ዓ.ም. ቀበታዊ ዘመን ተስፋይ የሚከተሉ የ

ଯେହି କର୍ମ ନ ପୂର୍ଣ୍ଣ ହେଲାଗତି ହେବାରେ

Digitized by srujanika@gmail.com

ପ୍ରକାଶିତ; ଅନ୍ୟାନ୍ୟ ମହାକାଵ୍ୟାଳାଙ୍କିରଣ କାହାର କାହାର କାହାର
କାହାର କାହାର କାହାର କାହାର କାହାର କାହାର କାହାର କାହାର
କାହାର କାହାର କାହାର କାହାର କାହାର କାହାର କାହାର

અનુભૂતિની વિશ્વાસી.

କୁଣ୍ଡଳ ପାତାର କିମ୍ବା କିମ୍ବା କିମ୍ବା କିମ୍ବା କିମ୍ବା

କ୍ଲୋରିନ୍ ଏହାରେ ଗ୍ରେଜ୍ ଏକ ପାଇଁ ପାଇଁ ପାଇଁ ପାଇଁ ପାଇଁ

၁၀၆၄-၁၀၈၉ ပုဂ္ဂနိုင်လီ အမြတ်သွေးစီမံချက်

Digitized by srujanika@gmail.com

۱۳۷۸/۰۶/۲۵

תְּמִימָנָה וְמִתְּמִימָנָה, כַּאֲשֶׁר בְּבֵית־יְהוָה.

ଓঁ শুভ্রেণি

၁၃၂၈ ခုနှစ်၊ မြန်မာနိုင်ငြပ်၏ အမြတ်ဆင့် လျော့လွှာ ဖြစ်သည့် အကြောင်း

በኢትዮጵያ ከተማ በኋላ ስራውን እንደሚከተሉ ነው

၁၃၁၂ ခုနှစ်၊ မြန်မာနိုင်ငြာနိုင်ငြာ၊

□ هنگامی که بحرین اسیر سرسردگان استعمار بود و فرمانروایی ناصبی و وزیری متعصب برگرده مردم سوار بود، وزیر حیله گر نقشه‌ای ریخت تا شیعیان آن سامان را ذلیل کند، اناری را به دست حاکم داد که به شکلی باور نکردند و اژدهایی بر آن نقش بسته بود (لا اله الا الله، محمد رسول الله، ابوبکر و عمر و عثمان و علی خلفاء رسول الله).

فرمانروادر حالی که مقهور این داستان شده بود و دست آویز خوبی برای خواری شیعیان به دست آورده بود، از وزیر نظرخواهی کرد و او که متظر چنین لحظه‌ای بود، گفت: بزرگان شیعه را حاضر می‌کنیم و معجزه را به آنها نشان می‌دهیم؛ اگر قبول کردند که از مذهب خود دست می‌کشند، و گرنه آنها را در انتخاب سه چیز مخیر می‌کنیم: پاسخی قانع کننده بیاورند. جزیه بدھند. مردانشان را می‌کشیم و زنان و فرزندانشان را اسیر می‌کنیم و اموالشان را به غنیمت می‌بریم. دانشمندان شیعه را احضار کردند و با طرح مسئله، از آنها جواب طلبیدند. آنان نیز سه روز مهلت خواستند و پس از گفت و گوهای بسیار از میان خود ده نفر و از میان آن ده نفر سه نفر از بهترین هارا برگزیدند و هر شب یکی از آنها برای حل ماجرا روانه بیابان شد.

دو شب گذشت، دو نفر رفتند و بی جواب برگشتند تا نوبت به نفر سوم رسید که از همه پرهیزکارتر بود. این گل سرسبد همین که به صحرار رسید، با گریه و زاری از حضرت درخواست کمک کرد. چون آخر شب شد، شنید مردی خطاب به او می‌گوید: ای محمد بن عیسی چرا تو را به این حال می‌بینم و چرا به سوی بیابان آمدی؟ محمد بن عیسی از او می‌خواهد که وی را رها کند و به حال خود واگذارد.

آن مرد می‌فرماید: ای محمد بن عیسی منم صاحب الزمان حاجت خود را

بازگو، محمد در حالی که اشکش جاری شده بود و شوق و التهابش به جایی رسیده بود که خود را نمی‌شناخت، از او پرسید: اگر تو صاحب الزمانی داستان مرامی دانی و به گفتن من نیازی نیست.

آن مرد فرمود: راست می‌گویی، سپس افزود: ای محمد بن عیسی! در خانه آن وزیر درخت اناری است. هنگام میوه دادن درخت، او از گل قالبی به شکل انار ساخت، آن را نصف کرد و در میان آن، این جمله را نوشت سپس قالب را به روی انار کوچک، گذاشت و آن را بست. چون انار در میان آن قالب بزرگ شد، آن واژه‌ها بر روی آن نقش بست.

فردا نزد فرمانروای روی و به او می‌گویی که من پاسخ تورا در خانه‌ی وزیر می‌دهم. چون به خانه وزیر رفتیم، پیش از وزیر به فلان جا برو. کیسه‌ی سفیدی خواهی یافت که قالب گل در آن است، آن را به فرمانروانشان ده. همچنین به فرمانروای بگو: معجزه دیگر ما این است که چون انار را دونیم کنید، جز دود و خاکستر چیزی در آن نیست.

محمد بن عیسی ناگهان خود را در صحرا تها دید و پس از تأملی به خود آمد و از هجران امام غمگین شد، اما با شادمانی به نزد شیعیان بازگشت. روز دیگر، آنان پیش فرمانروار فتند و هر آنچه امام زمان (عج) فرموده بود، آشکار گشت. فرمانروای بحرین با دیدن این معجزه شیعه شد و دستور داد وزیر حیله‌گر را اعدام کردند.^۱

پنجم. بشارت‌ها

یکی از عواملی که سبب آمادگی و عامل حرکت و پویایی است،

۶ □ نگاهی دوباره به انتظار

بشرات‌هایی است که آدمی را به آینده امیدوار می‌سازد و چشم به راهی، لحظه شماری به همراه کار و حرکت و تلاش را به او ارزانی می‌دارد؛ اساساً داشتن تصویری از آینده - هر چند مبهم و مجمل باشد - این خاصیت را دارد که زندگی انسان را هدفمند ساخته، او را از پوچی و سرگردانی نجات می‌دهد.

اصولاً آینده‌شناسی، در پرتو پیش‌بینی‌های دینی روشن می‌شود. این تجربه‌ی مکرر آدمی است. در طول تاریخ، پیامبران الاهی پیش‌گویی‌هایی داشته‌اند که همه به حقیقت پیوسته است. این پیش‌گویی‌ها بود که سلمان‌های تاریخ را به انتظاری پویا و حرکت آفرین کشاند؛ چنان‌که وی را از خانه و خواب و راحت و آسایش جدا ساخت و سرانجام به آغوش حقیقت و به نقطه‌ی اوج رشد و آگاهی رساند.^۱

این سنت تغییرناپذیر الاهی است که با بشارت‌هایش، همیشه انسان‌ها را از رکود، یأس و نامیدی درآورده، به حرکت، تلاش و امیدواری سوق می‌دهد. وعده‌ی تحقق حکومت حق در این دوران بشارت داده شده، در این زمینه آیات بی‌شماری نازل شده است. قرآن مجید می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِي الصَّالِحُون﴾؛ ما در زبور، پس از ذکر (تورات) نوشته‌ایم که سرانجام، زمین را بندگان شایسته‌ی ما به ارث می‌برند او برکره‌ی زمین حاکم می‌شوند].^۲

۱. عن أبي عبدالله عَلَيْهِ السَّلَامُ قال كان سلمان رحمة الله... (امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ) فرمود: سلمان نزد بسیاری از دانشمندان رفت. آخرین نفری که نزد او رفت، أبي بود. وقتی پیامبر عَلَيْهِ السَّلَامُ ظهر کرد، او به سلمان گفت: آن رفیقت که در موردش جست و جو می‌کنی، در مکه ظهرور کرده است. سلمان بالا فاصله با شنیدن این سخن به آن سمت شتابت. کمال الدین، ج ۲، باب ۶۲، حدیث ۶.

۲. انبیاء، آیة ۱۰۵.

این آینده‌شناسی، انتظار را به ارمغان می‌آورد و به همین دلیل در قرآن آمده است: «فانتظروا انّى معكم من المنتظرین»^۱.

افزون بر آن، در روایات بی‌شماری به این بشارت‌ها اشاره و بدان دستور داده شده است: انتظرو الفرج و ...أفضل العبادة المؤمن انتظار فرج الله.^۲

طبق فرموده‌ی امام باقر علیه السلام بندگان شایسته‌ای که وارثان زمین می‌شوند، اصحاب مهدی علیهم السلام در آخر الزمان هستند؛ مجمع البيان، ج ۷، ص ۶۶.

۱. محمد بن ابی نصر از حضرت رضامحمد علیهم السلام نقل می‌کند چه نیکوست صبر و انتظار فرج، آیا این سخن الاهی را شنیده‌ای: مراقب باشید که من هم با شما مراقبم، پس منتظر باشید که من هم با منتظرانم. پس بر شما باد صبر. زیرا فرج در حال یأس فرا می‌رسد؛ تفسیر برهان.
۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۱.

فصل پنجم

بایسته‌های



حرکت، ره آورد طبیعی انتظار است. آنان که عظمت درونی خویش را یافته‌اند، آنان که ابراهیم گونه سرود: «إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَى رَبِّي سَيِّدِيْنِ»^۱ را سر می‌دهند، آنان که فرجام هدایت آمیز حرکت و تلاش را می‌دانند، وہ چه شیرین، جرعه جرعه از هدایت‌های مستمر حق بهره‌مند می‌شوند.

آنان، با تمام وجود، روی خود را به آسمان دوخته، ندای: «إِنِّي وَجَهْتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ»^۲ را زمزمه می‌کنند و این گونه ظهور هادی امّت را به انتظار می‌نشینند.

اصولاً، کسی که در انتظار است، بسی تفاوت و بسی خیال نیست. حضرت یعقوب ﷺ منتظر یوسف ﷺ بود، ولی بیکار نبود. به فرزندانش گفت: بروید و به دنبال یوسف و برادرش بگردید و از روح و رحمت خدا نامید نشوید.^۳ همین تعبیر در مورد حضرت مهدی (عج) وارد شده است: «منتظر فرج باشید و از روح و رحمت خدا نامید نشوید.»^۴

۱. صافات، ۹۹.

۲. انعام، ۷۹.

۳. «يَا أَيُّهُوا الَّذِينَ هُوَ مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيَأسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ». یوسف: ۸۷

۴. «انتظروا الفرج فلا تيأسوا من روح الله». (بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳)

ପାଞ୍ଚମି ପରିଷକ୍ରମୀ ଏବଂ ତଥା
ପ୍ରକାଶନ ଦେଖିଲୁଛି ୧୯୮୦ ମେସାହିରେ ୨ ଅକ୍ଟୋବରରେ

କୁଣ୍ଡଳ ମହାଦେଵ ପରିଚୟ
ଶରୀରର ଅନ୍ତରେ କିମ୍ବା କିମ୍ବା
କିମ୍ବା କିମ୍ବା କିମ୍ବା କିମ୍ବା

برساند.^۱

رویکرد به مهدی، این معنا را با خود دارد. در رسیدن به این هدف، چند عنصر نقش دارد: شناخت^۲ تجربه‌ی محبت و عنایت، تجربه‌ی ضعف‌ها و محدودیت‌ها در دیگران؛ تجربه‌ی بن بست‌ها و احساس تنگناها.

أ. شناخت

اقبال قلبی، از شناخت و احساس محبت مایه می‌گیرد. از این رو، مهم‌ترین وظیفه‌ای که هر شیعه‌ی متظر بر عهده دارد، کسب معرفت نسبت به وجود مقدس امام و حجت زمان خویش است. این موضوع، تا بدان درجه از اهمیت است که در روایات بسیاری، اعم از شیعه و سنّی، مطرح شده است.

ب. تجربه‌ی محبت و عنایت از محبوب و ضعف و محدودیت از دیگران آنان که در این هستی، محبوب‌ها و رهبران دیگر را آزموده‌اند و به ضعف‌ها و محدودیت‌ها و پستی‌ها و زشتی‌های آنان آگاه شده‌اند، وقتی از زبان وحی می‌شنوند: «ولئَ ما، به ما، از خودمان مهریان تر^۳ و آگاه‌تر است»، تمام توجهش به

۱. مسئله‌ی اقبال و ارتباط برقرار کردن با حضرت، از چنان اهمیتی برخوردار است که به آن امر شده است؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا» (آل عمران: ۲۰۰). امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند: «پایداری کنید بر ادای واجبات و در برابر دشمنان استقامت بورزید و با امام خود پیوند برقرار کنید». *التحصین و صفات العارفین*، احمد بن محمد بن مهدی حلّی، ترجمه‌ی سید علی جبار گلباگی، ص ۳۳-۵۲.

۲. امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ بَثَ لِيلَةً لَا يَعْرِفُ فِيهَا إِمَامٌ زَمَانَهُ مَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً؛ هُرَكَسْ شَبَّیْ رَا سپری کند و در آن شب، امام زمان خود را نشناشد، به مرگ جاهلیت مرده است. الغيبة، نعمانی، ص ۱۲۷، ج ۱.

۳. امام صادق علیه السلام فرمود: «وَاللَّهُ لَأَنَا أَرْحَمُ بَكُمْ مِنْكُمْ بِأَنْفُسِكُمْ؛ بَهْ خَدَا سُوكَنْدَا مَنْ نَسَبَتْ بِهِ شَمَا، از خود شما مهریان ترم. (*مکیال المکارم*، ج ۱، ص ۹۳-۹۴).

او معطوف می‌شود تا جایی که در کوچک‌ترین رفتارش، حتی صدقه دادنش،^۱ او را بر خودش پیش می‌اندازد و قبل از این که به سلامتی خود فکر کند، تندرستی و رفع بلاز او را خواهان است تا جایی که او را بر وجود خود حاکم می‌کند و نسبت به خودش اولی می‌داند.^۲

چگونه می‌شود آن مهریان غایب را دوست نداشت، در حالی که او، نسبت به ما، مهریان و سبب دفع بلاها و گرفتاری‌ها است^۳ و اینمی بخش اهل زمین است^۴ و در غم ما، اندوه‌گین، واژ شادی ما، خرسند می‌گردد و در فکر وضعیت شیعیان است، گرچه در مشرق یا مغرب زمین باشند.^۵

۱. سید بن طاووس، به فرزند خود، درباره‌ی آداب و وظایف یک مسلمان شیعه نسبت به صاحب الزمان (عج) چنین سفارش می‌کند: «صدقه دادن از سوی آن حضرت را پیش از صدقه دادن برای خودت و عزیزان قرار ده، و دعا برای آن حضرت را مقدم بدار بر دعا کردن برای خودت، و نیز در هر کار خیری که مایه‌ی وفا به حق آن حضرت است، آن بزرگوار را پیش انداز، زیرا سبب می‌شود که به سوی تو توجه فرماید و به تو احسان کند». مکیال المکارم، ج ۲، صص ۲۸۸ - ۲۹۷ و ۳۵۱ - ۳۵۷.

۲. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۳۹، ح ۵۱: عن العین بن علی عليه السلام. قال، قال رسول الله صلوات الله عليه وسلم لعلی عليه السلام: أنا أولى بالمؤمنين بأنفسهم ثم أنت يا علی! أولى بالمؤمنين من أنفسهم ثم... والحجۃ بن الحسن أولى بالمؤمنين من أنفسهم.

۳. أنا خاتم الأوصياء و بي يرفع الله البلاء عن أهله و شيعته: خدا، به سبب من، از خاندان و شیعیان ام بلارا دور می‌گرداند. (کمال الدین، ج ۲، ص ۴۴۱، ح ۱۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۵ و ۳۰).

۴.

۵. امام رضا عليه السلام فرمود: ما من أحد من شيعتنا... ولا تغتم إلأ اغتنمنا لغمة ولا يفرح إلا فرحنا لفرحه ولا يغيب عنا أحد من شيعتنا [ما] كان في شرق الأرض و غربها، و من ترك من شيعتنا ديناً فهو علينا؛ هیچ یک از شیعیان ما غمگین نمی‌شود، مگر این که ما نیز در غم آنان اندوه‌گین هستیم و از شادی آنان خرسند و هیچ یک از آنان در مشرق و مغرب زمین از نظر ما دور نیستند. هر یک از شیعیان ما که پس از مرگش بدھی داشته باشد، ادای آن بر عهده‌ی ماست (مکیال المکارم، ج ۱، ص ۴۰۴).

ج. تجربه‌ی بن بست‌ها و احساس تنگناها

توجه به مهدی علیه السلام تجربه‌ی بن بست‌ها و احساس تنگناها را می‌خواهد.
برای کسی که دنیا، هنوز وسعت دارد و به مال و شرود و همسر و فرزند و...
وابسته است، در خیمه‌ی مهدی فاطمه علیه السلام جایگاهی ندارد.

باید دانست که اموال و اولاد، فتنه نیستند. وابستگی به آن‌ها فتنه
است. مثل مال و انسان، مثل آب و کشتی است. اگر آب بیرون از کشتش
باشد، وسیله‌ی خوبی برای حرکت کشته است. اما اگر داخل کشته شود،
سبب هلاکت است. مال هم اگر بیرون از دل باشد، مركب خوبی است.
ولو اگر داخل دل باشد، سبب هلاک است.^۱

اساساً، زهد آزادی است، آزادی از هر آن چه رنگ تعلق به خود گیرد.
حافظ می‌گوید:

غلام هفت آنم که زیر چرخ کبود زهر چه رنگ تعلق پذیرد، آزاد است
منتظر مهدی (عج) آزاد مردی است که دادن‌ها و گرفتن‌ها، در وجود او
موجی پدید نمی‌آورد.^۲

منتظر مهدی فاطمه علیه السلام به دنیا قانع نیست، بلکه جایگاه بلندتری را

۱. سخنان استاد جوادی آملی در تفسیر آیه‌ی بیست و هشتم سوره‌ی مبارکه‌ی انفال: «إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ».

۲. علی علیه السلام من فرماید: الزهد كلهُ بين كلتين من القرآن. قال الله تعالى: لكيلا تأسوا على مافاتكم ولا تفرحوا بما آتاكتم ومن لم يأس على العاضي ولم يفرح بالآتي، فقد أخذ الزهد بطرفه؛ زهد، در دو جمله از قرآن خلاصه شده: «امتأسف نشوید بر آن چه از شما فوت می‌شود» و «شاد نگردید به آن چه به شما می‌دهند». هر کس بر گذشته اندوه نخورد و برای آینده و آن چه به دست می‌آورد، خوش حال نگردد، بر هر دو جانب زهد دست یافته است. نهج البلاغة، ترجمه‌ی محمد دشتی، حکمت ۴۳۹.

می‌طلبد. چون در چشم تیزین او، دنیا بد نیست، بلکه اندک است.^۱

معنای دوم؛ روی آوردن به جهت حضور در کنار محبوب است تا با این حضور و انتساب، کسب آبرو کند. وجاهت و شرافت و مقبولیتی را که هرگز به طور طبیعی نمی‌توانسته کسب کند، بدین وسیله به دست می‌آورد.

انسان‌ها در زندگی خود به دنبال پیدا کردن موقعیت اجتماعی خوبی هستند و تمام تلاش خود را در این زمینه انجام می‌دهند تا به این هدف ارزشمند برسند.

آنان که به کلاس‌های بالاتری راه پیدا کرده‌اند و ارزش‌های انسانی خود را کشف کرده‌اند و استعدادهای ویژه و برتر خود را یافته‌اند و به استخراج و بهره برداری از آن مشغولند، آبرومندی را در جای دیگری دنبال می‌کنند.

آنان، آبرو را در نزد امام حسین علیه السلام می‌جویند و این دعا را بسیار می‌خوانند:

اللهم اجعلني عندك وجيهًا بالحسين علیه السلام في الدنيا والآخرة^۲

و در نتیجه، خدا، خریدارشان می‌شود؛

﴿إِنَّ اللَّهَ اشترى من الْمُؤْمِنِينَ﴾.^۳

وجاهت در حضور حق و در محضر او، برای کسانی است که از غیر او و برگردانده، به همین سبب، منتظرِ مؤمن، تمام توجه و وفای خود را در این راه مصرف می‌کند و به درجه‌ای می‌رسد که «افضل اهل هر زمان» لقب می‌گیرد؛ المنتظرون لظهوره أَفْضَل كُلَّ زَمَانٍ...^۴

۱. توبه: ۳۸ (فِمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ أَقْلَيْلٌ).

۲. مفاتیح الجنان، زیارت عاشورا.

۳. توبه: ۱۱۱.

۴. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

دو. میثاق

﴿... الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقضُونَ الْمِيَثَاقَ﴾^۱؛ فرزند انتظار، با توجه و اقبال قلبی، ارتباط میان خود و حجت حق را نیرومند می‌سازد و تا جایی پیش می‌آید که نه تنها توقعی از او ندارد، بلکه متعهد می‌شود تمام دارایی‌هایش، خانواده‌اش، هستی‌اش و تمام آن چه را خدا به او عطا کرده، در راه محبوب به مصرف برساند و این سرود همیشگی اوست که هر روز با ولی و امام زمانش زمزمه می‌کند: و أَبْذَلُ مَالِيْ وَ أَهْلِيْ وَ نَفْسِيْ...^۲ او می‌داند که آن چه نزد ما می‌ماند، نابود شدنی است و آن چه نزد «ولی» است، ماندگار و جاویدان است؛ ﴿مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ﴾^۳

تو می‌خواهی آن چه را خدا به تو بخشیده، در راه او ببخشی. این بذل به دست آوردن و از تباہ شدن دارایی جلوگیری کردن است. چگونه ممکن است قرض دادن به یک مؤمن، سبب تضاعف و ازدیاد آن شود و در راه ولی خرج کردن و به او سپردن و با او معامله کردن چنین نباشد؟ در واقع، مؤمن متظر، با این کار، تجدید بیعت می‌کند.^۴

۱. الرعد: ۱۹. کسانی که به عهد و پیمان با خدا، وفا دارند و تعهدات خود را نقض نمی‌کنند. در این باره، روایات فراوانی وارد شده است. از امام صادق علیه السلام روایت شده: تحن ذمة الله و عهد الله فَمَنْ وَفَنِي بِعَهْدِنَا فَقَدْ وَفَنِي بِعَهْدِ اللهِ وَ مَنْ حَفَرَهَا فَقَدْ حَفَرَ ذَمَّةَ اللهِ وَ عَهْدَهُ؛ ما، عهد خدا هستیم. هر کس به عهد ما وفا کند، پیمان با خدارا به جا آورده، هر کس عهد ما را نقض کند، پیمان خدارا شکسته است. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۳۹۵.

۲. مفاتیح الجنان، زیارت دوم حضرت صاحب الامر: «پس بذل می‌کنم خانواده‌ام و ثروتم و خودم و آن چه را پروردگارم عطا کرده است... و آن، عهد من است و میثاقم نزد تو. چون تو، نظام دینی و پیشوای متقیان هستی...»

۳. النحل: ۹۶.

۴. صحيح مسلم، ج ۳، ح ۱۴۷۸؛ هر کس بمیرد در حالی که نسبت به امام مسلمانان، بیعته برگردان

برای تجدید بیعت با حضرت صاحب الامر، دعای عهد، میثاق نامه‌ای زیبا است. امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

هر کس، چهل صباح، این دعا را بخواند، از یاوران حضرت قائم (عج) خواهد بود. اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد، خدای تعالی، او را زنده خواهد کرد تا در رکاب آن عزیز جهاد کند.^۱

انسان، با این تجدید عهد، متعهد می‌شود که از هر گونه سستی و انحرافی دوری گزیند؛ برای صاحب امر، غیبتی طولانی است. در این دوران، هر کسی باید تقوای پیشه سازد، و چنگ در دین خود زند.^۲

اگر مؤمنان به میثاق با خدا پابند باشند، یقیناً، زمان ظهور فراخواهد رسید. چه خوب است به ندای زیبایش در این زمینه، گوش جان بسپاریم. آن حضرت فرمود:

لو أشياعنا، وفَقِيمُ اللّٰهِ لطاعتهِ، علٰى اجتماع من القلوب
في الوفاء بالعهد عليهم لما تأْخَر عنهم اليمن بلقائنا...؛^۳ اگر
شیعیان ما که خدا توفیقشان دهد، در راه ایفای پیمانی که بر عهده
گرفته‌اند، همدل می‌شدند، می‌متن ملاقات ما از ایشان به تأخیر
نمی‌افتد.

بنابراین، تا استعداد حضور حضرت را پیدا نکنیم، از فیض دیدار خبری نیست. امام (عج) منتظر آمادگی و تجدید عهد خالصانه‌ی ماست که به همراه آن،

^۱ او نباشد، به مرگ جاهلی مرده است.

۱. الاختصاص، مفید، ص ۷۲-۷۳.

۲. الغيبة، نعمانی؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۵.

۳. احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۷.

سرور و بهجهت و رضایت و انس هم خواهد آمد.

سوم - پناه

انسان منتظر، وقتی مسئولیت خود و رسالت سنگینش را دریافت و به این نتیجه رسید که باید حرکت کند. چون ماندن، گندیدن و پوسیدن است - با مانع‌ها و درگیری‌هایی روبرو می‌شود. که در همه جا خانه گرفته‌اند و وحشت و غربت آفرینند.

در این هنگام، ناچار باید به کسی پناه برد تا اورا از این غربت و تنها‌یی نجات دهد. اکنون، این سؤال در ذهن پدید می‌آید: به چه کسی باید پناه برد؟ با چه کسی باید به گفت و گو نشست؟ به چه کسی باید دلگرم شد؟ در پاسخ باید گفت: این انس، جز به معصوم، و انتظار فرج او نیست.^۱ این حقیقت، در سخن دلنشیں امام سجاد علیه السلام آمده است:

انتظار الفرج من أعظم الفرج؛^۲ انتظار فرج، از بزرگترین
گشایش‌ها است.

سینه‌هایی که رنج هستی، دردهای انسان، ظلم‌های جامعه را شاهد بوده‌اند و همراه هر قطره‌ی خون که از رگ‌های مظلومان ایرانی و فلسطینی و لبنانی و افغانی و... به زمین ریخته، همراه هر تازیانه که بر مجاهدی فرود آمده، حضور داشته‌اند و این گونه در برابر همه‌ی مردم و همه‌ی هستی، خود را مسئول می‌دانند، چاره‌ای جز پیوند با مهدی فاطمه(عج) ندارند.

^۱. امام رضا علیه السلام فرمود: الإمام الأئمّة الرفيق والوالد الشفيف. کافی. ج ۱. ص ۲۰۰، باب نادر فی فضل الإمام. ح ۱.

^۲. بحار الأنوار. ج ۲. ص ۱۲۲.

چهارم - توسل

وادی عشق، بسی دور و دراز است، ولی طی شود جاده صد ساله به آهی، گاهی^۱ ای عزیز فاطمه! ما، غفلت کردیم و متوجه نشدیم و غافلاته و جاھلانه، تو یوسف عزیز را، بدون این که حتی ثمن بخسی نصیب مان شود، از دست دادیم و اکنون، در هجران تو، کنعان زندگی ما، در خشکسالی سوزان، فرو رفته است و زندگی بر ما سخت شده است و با شرمندگی، دست تمنا به سوی تو گشوده‌ایم و عرضه می‌داریم:

﴿يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسْنَانَا وَأَهْلَنَا الضَّرُّ وَجَئْنَا بِبِضَاعَةٍ مِّنْ جَاهَةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكِيلَ وَتَصْدِقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ بِمَا تَصْنَعُونَ﴾.^۲

فرزندان انتظار، حکمت غیبت آن منجی غائب را درک کرده، آن را ناشی از فاصله‌ی فرهنگ این دوران از فرهنگ مهدویت و عدم آمادگی برای حضور آن امام همام می‌دانند. آنان خوب می‌دانند فاصله‌ی آنچه باید باشند و آنچه هستند، به ژرفای یک عمر زندگی است که بدون راهنمایی از عالم وحیانی و توسل به ساحت مقدس یک وجود نورانی، میسر نیست.

آنان در یافته‌اند که توسل، تقرّب است و وسیله ساختن برای رسیدن به محبوب و معبد؛ ﴿وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾.^۳

باید دانست که اهل بیت، وسیله‌ی تقرّب انبیا هستند.^۴ بر پایه‌ی حکم عقل، برای رسیدن به هر مقصدی، به دنبال وسیله‌ای باید رفت، اما هر وسیله‌ای برای

۱. اقبال لاهوری.

۲. یوسف: ۸۸

۳. مائده: ۳۵.

۴. بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۲۷.

مقصد خاصی ساخته شده است، امام، وسیله‌ی قرب،^۱ وسیله‌ی هدایت^۲، وسیله‌ی رضا و رضوان^۳ و راه رسیدن به بهشت موعود است.^۴

این درست که نمک طعام را هم باید از آنان خواست، ولی وقتی می‌شود بیش ترها را به دست آورد، برای طرح درخواست‌های پایین‌تر، مجال توسل نمی‌ماند، هر چند آنان که به خواسته‌های بزرگ دست می‌یابند و با هستی، هماهنگ می‌شوند، نظام هستی نیز با آنان هماهنگ می‌شود و درخواست‌های کوچک آنان هم برآورده می‌شود.

خوب است در این زمینه به روایتی گوش جان بسپاریم؛ در آن روزها که زمین برای ظهر آخرين پیامبر جشن شکوفایی گرفته بود. در آن روزگار که در سرزمین خشک و بی‌آب و علف بذرهای دعوت و رحمت کاشته شده بود. در آن زمان که طرح عقیده و دعوت آشکار و پنهان ریخته شده بود. در آن سرزمینی که درگیری با بت‌ها و طاغوت‌ها و خود پرستی‌ها شکل گرفته بود و در آن روزها که شبه جزیره، طعم حاکمیت دینی را تجربه می‌کرد و رسول خدا می‌خواست آمال و آرزوها و درخواست‌های آن مردمان، رفعتی به بلندای آسمان‌ها پیدا کند و در آن روزها....

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: در این دوران به مردمی از طائف که در

دوران جاهلیت رسول گرامی علیهم السلام مهمان او شده بود و مورد احترام وی

۱. نحن الوسيلة إلى الله. (مکیال المکارم، ج ۱، ص ۳۵۲-۳۵۳)

۲. واژه‌ی «النجم» در آیه‌ی ۲۶، نحل «و بالنجم هم يهتدون» به ائمه علیهم السلام تفسیر شده است.

۳. در دعای ندبه آمده است: وجعلتهم الذرايع إليك والوسيلة إلى رضوانك. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۳۵۲-۳۵۳

۴. در دعای سید الساجدين در روز عرفه آمده است: وجعلتهم الوسيلة إليك والمسلك إلى جنتك.

قرار گرفته بود، گفتند: یادت می‌آید آن شخص را که در آن روز در طائف
بر تو وارد شده بود، او همان رسولی است که اکنون به این مقام رسیده.
او گرفتار بود و فقیر، آماده‌اش کردند که بیاید از پیامبر درخواستی
داشته باشد، خیلی فکر کرد که چه بخواهد. آنگاه گفت: یا رسول الله! مرا
می‌شناسید؟ حضرت گفتند: تو کی هست؟ گفت: من همانم که آن روز بر
من وارد شدی و... حضرت فرمودند: مرحباً چه می‌خواهی؟ خوب فکر
کرد و گفت: دویست گوسفند با چوپان.

حضرت لختی اندیشید و سر فرو انداخت و فرمود: به او بدهید.
سپس رو به اصحاب کرد و با تأسف فرمود: چگونه است که این فرد از آن
پیژن یهودی همتش کمتر است! اصحاب پرسیدند: داستان چه بود؟
حضرت فرمود: وقتی که برادرم موسی از مصر به سرزمین مقدس در
شام می‌خواست هجرت کند، وحی آمد که جنازه‌ی حضرت یوسف را با
خودت ببر. موسی مأمور شده بود کسی را که آشنا با محل این جنازه
باشد، پیدا کند. به او گفتند: اگر کسی باشد فلان پیژن بنی اسرائیل است.
موسی به دنبالش فرستاد تا او را آوردند. موسی گفت: می‌دانی آن جنازه
کجاست؟ گفت: آری. گفت: بگو هر چه بخواهی به تو می‌دهم. گفت:
نمی‌گویم مگر این که همه خواسته‌هایم را بپذیری. گفت: بهشت را.
گفت: همان که گفتم.

موسی متحیر ماند. وحی آمد که قبول کن، تو نمی‌دهی ما می‌دهیم.
موسی گفت: قبول است. پیژن گفت: درخواست من این است که روز
قیامت در بهشت با تو و در رتبه و مقام تو باشم...

سپس رسول خدا آهنگشید و فرمود: چه شد درخواست او چون

درخواست این پیرزن نبودا چه شد این فرد همتش از آن پیرزن

کمتر بودا^۱

راستی آیا مانیز چنین نیستیم؟ آیا درخواستها، آرزوهایمان بر همین اساس
نیست؟

آری، می‌شود از ولی خدا، کشت و زرع و تجارت و فرزند و عیال و...
خواست و آنان نیز خاندان بذل و بخشش‌اند و یقیناً، انسان، از توسل خود
بهره‌مند می‌شود، ولی بهره‌ی بیشتری را از دست می‌دهد.

از هر وسیله‌ای باید متناسب با توانایی او درخواست داشت. از حجت خدا،
باید کاری را خواست که از دست دیگران ساخته نیست. درباره‌ی مشکلات
حوزه‌های علمیه، یکی از اساتید می‌گفتند: «کار اصلی مرجع، ساختن مسجد و
مدرسه و بیمارستان نیست. این‌ها، کارهایی است که از یک ثروتمند هم ساخته
است. کار مرجع، تربیت عالم عادل و عاقل است. این، کاری است که از دیگران
ساخته نیست. باید به هر کس، در کاری که برای آن ساخته شده، توسل جست و
بهره‌گرفت.»^۲

آری، آنان خود، معروف خویشند. آنان، انقلاب در عقل‌ها و اندیشه‌ها پدید
می‌آورند.^۳ آنان، قفل و زنجیر را از پای آدمی بر می‌دارند تا خوب حرکت کند.^۴

۱. کلینی، یعقوب، روضة الكافی، ج ۸، ص ۱۱۰، ح ۱۴۴. (حدیث الّذی أضاف رسول اللّه ﷺ
بالطائف)

۲. تومی آیی، علی صفایی حائری، ص ۲۲.

۳. لیشروا لهم دفائن العقول. (نهج البلاغة، خ ۱).

۴. اعراف: ۱۵۷ «يَضْعُ عَنْهُمْ أَصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالُ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» پیامبر اکرم ﷺ فرمود:
«... بالمهدي... يخرج ذل الرق من أعناقكم...»؛ (بحار الأنوار، ج ۱، ص ۵۱، ح ۵۷)... به دست مهدی علیه السلام
بندهای برگشته از گردن همهی شما گشوده می‌گردد....

به هر طرف، چه شرق و چه غرب برویم، هدایت، فقط در نزد آنان است.^۱

خدا، به عزّت و جبروت خود قسم خورده که اگر کسی او را چنان عبادت کند که مانند چربی در دیگ، آب شود، از او نخواهد پذیرفت، مگر از همان طریقی که خودش امر کرده، او را بخواند.^۲

پنجم. آمادگی

مؤمن منتظر، بیکار نمی‌ماند، بلکه آماده می‌شود. همچون یعقوب، بوی پیراهن یوسف در او انقلابی پدید می‌آورد.^۳ آنان که انتظار محبوبی را داشته باشند، کوچک‌ترین نشانه‌ای از محبوب، در آنان اثر عمیقی می‌گذارد. در تاریخ

۱. شَرَقُوا أَوْ غَرَبُهَا (یا در تعبیر دیگر: فَلِيُشْرِقِ الْحُكْمُ وَلِيُغَرِّبَ أَمَا - وَاللَّهُ! - لَا يُصِيبُ الْعِلْمَ إِلَّا مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ). (کافی، ج ۲، ص ۲۵۲).

۲. عن أبي عبد الله عليه السلام قال: عَبْدَ اللَّهِ جِبْرِيلُ مِنْ أَهْبَارِ بَنِي إِسْرَائِيلَ، حَتَّى صَارَ مِثْلُ الْخَلَالِ. فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى نَبِيِّ زَمَانِهِ: «قُلْ لَهُ: وَ عَزَّتِي وَ جَلَّتِي وَ جَبَرَوْتِي! لَوْ أَنَّكَ عَبْدَنِي حَتَّى تَذَوَّبَ الْأَلْيَةُ فِي الْقَدْرِ مَا قَبْلَتُ مِنْكَ حَتَّى تَأْتِينِي مِنَ الْبَابِ الَّذِي أَمْرَتَكَ». بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۱۷۶.

۳. مفضل بن عمر می‌گوید: شنیدم از امام صادق عليه السلام که می‌فرمود: می‌دانی پیراهن یوسف عليه السلام چه بود؟ گفتم: نه. فرمود: چون برای ابراهیم عليه السلام آتش افروختند، جبرئیل، برای او پیراهنی آورد و به تن او کرد که گرما و سرما به او آسیب نرساند و چون زمان وفات او فرار سید، آن را در جلد دعا بی نهاد و بر اسحاق آویخت و او، به یعقوب آویخت و چون که یوسف متولد شد، آن را به وی آویخت و در بازویش بست، تا کارش به آن جا که باید، کشید و چون یوسف آن را در مصر از میان جلد دعا در آورد، یعقوب عليه السلام بوش را استشمام کرد.

این است گفتار خدا که از او حکایت کرده است که «من، بوی یوسف را استشمام می‌کنم، اگر مرا به خط انسیت ندهید» و آن، همان پیراهنی است که از بهشت فرود آمده است. عرض کردم: قربان تو بروم! این پیراهن به دست چه کسی رسید؟ فرمود: به دست اهل آن است و آن، همراه قائم ماست وقتی ظهر می‌کند.

سپس فرمود: هر پیغمبری که دانش یا چیز دیگری ارث برده است، همه‌ی آن‌ها به محمد صلوات الله علیه و آله و سلم رسیده است. کمال الدین، ج ۲، باب ۶۲، حدیث ۲۹.

می خوانیم. پیراهن حضرت یوسف، بر روح و جسم یعقوب اثر گذاشت و چشم نایینای او، بینا، و روح و روان وی، شادمان شد.

آمادگی، آن هم در تمامی ابعادش،^۱ یکی از وظایف دوران غیبت به شمار می آید؛ چون مؤمن منتظر، پیوسته در حال زمینه سازی برای حکومت مهدی «عج» است؛ و یو طئون للمهدی سلطانه.^۲

او، با دیدن دوره های آموزش نظامی و فراهم کردن اسلحه‌ی مناسب، خود را برای یاری امام آماده می کند. شیخ کلینی (ره) از امام کاظم علیه السلام نقل می کند: هر کس اسبی را به انتظار امرِ ما نگاه دارد و به سبب آن، دشمنان ما را خشمگین سازد، در حالی که منسوب به ماست، خداوند روزیش را فراخ گرداند و به او شرح صدر عطا کند و او را به آرزویش برساند و در رسیدن به خواسته هایش یاریش کند.^۳

چگونگی آمادگی در گرو شرایط زمان و مکان است؛ اگر در روایات، سخن از فراهم کردن اسب و شمشیر، به میان آمده، برای تمثیل و بیان لزوم آمادگی برای یاری آخرین حجت حق است.

بنابراین، به طور کلی می توان گفت: فرهنگ انتظار، فرهنگ آماده سازی جامعه برای پذیرش آزادانه‌ی حاکمیت الاهی است و در این میان، راهبرد منتظران، نزدیک سازی آزادی به دین است.

۱. چون در بخش «ابعاد انتظار» در این مورد بحث شد، طرح مجدد آن، ضرورتی ندارد.

۲. میزان الحکمة، ج ۲، ص ۵۶۸.

۳. کافی، ج ۴، ص ۵۳۵، روایت ۱.

فصل ششم

ره آورد

میرزا

فرزندان انتظار، با کسب آمادگی‌های لازم و پس از پیمودن مراحل یاد شده، ریشه‌هایی در وجودشان سبز می‌شود و رفته رفته به نتایج مناسب دست می‌یابند.
و صبر بر گرفتاری و برخوردها و آزار و تمسخرها و بلاها و امتحانات،
و ذکر و یادآوری در برابر فتنه و غفلت‌ها،
و اصلاح جامعه،
و امید به آینده‌ی مطلوب،
و همراهی با حجت حق
و زیرکی و بصیرت در برابر «شبهات مهاجم» را به بار می‌نشاند.
اکنون برخی از ره‌آوردهای انتظار را بر می‌شمریم:

یک. صبر
امام صادق علیه السلام فرمود: من دین الأئمة، الورع... و انتظار الفرج بالصبر.^۱
شرایط بسیار دشوار عصر غیبت، مستلزم آن است که هر شیعه‌ی منتظری، در
برابر مشکلات و گرفتاری‌ها بایستد و از موجودیت و هویت خویش دفاع کند.
کسی که برای آینده‌اش برنامه می‌ریزد و برای رسیدن به اهدافش، نیازها را

۱. از دین امامان است پرهیزکاری... و انتظار فرج با صبر و شکیابی. بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۲۲.

می شناسد و برای به دست آوردن آن‌ها، راه‌هایی را پیش بینی می‌کند، به خوبی می‌داند که با داشتن نقشه و برنامه، کارها، سریع‌تر و بهتر شکل می‌گیرد. چون موانع را در طرح و برنامه‌ی کلی، می‌توان شناخت و برای از میان برداشتن آن‌ها، چاره‌ای اندیشید.

آنان، در رویارویی با مشکلات، غافل‌گیر نمی‌شوند و کاسه‌ی صبرشان لبریز نمی‌گردد و به جزع و فزع یا ذلت و ضعف روی نمی‌آورند. مواجهه با ترس، طبیعی است و هر انسانی، در طول زندگی اش، با آن روبه‌رو می‌شود، اما مهم این است که چگونه از آن بهره ببرد.

آدمی، در طول تاریخ، با ترس‌ها به قدرت رسیده،^۱ با محبت‌ها و عشق‌ها، کوه‌ها را بر دوش کشیده است.^۲ انسان بر اثر برخورد با مشکلات و تجربه‌های مکرر آموخته است که چگونه ترس و عشق را با قدرت جایگزین کند و چگونه برای مشکلات راه حل بیابد.

منتظر، کسی است که مشکلات دوران انتظار را پیش بینی کند و در نتیجه، از بحران هجوم مشکلات بکاهد و صبرش، مغلوب حوادث نشود.

امام حسین علیه السلام می‌فرماید:

برای او، غیبی است که گروهی در آن دوران، از دین بوگشته،
برخی دیگر، بر دین پایدار خواهند ماند و مورد اذیت و آزار قرار
خواهند گرفت. به آنان گفته می‌شود: اگر راست می‌گویید، پس این
وعده‌ی ظهور مهدی چه زمانی اتفاق خواهد افتاد؟ لیکن آن که در
زمان غیبت، بر آزارها و تکذیب‌ها، استوار بماند، گویا مجاهدی

۱. دانشمندان، تمدن صنعتی فعلی را، حاصل جنگ‌های جهانی اول و دوم می‌دانند.

۲. بی ستون را عشق کند و شهرتش فرهاد برد.

است که در رکاب رسول خدا^{اللهُ أَكْبَرُ اللَّهُ عَلَيْهِ الْكَفَلُ} با شمشیر، به جهاد برخاسته است.^۱

امام صادق^{عَلَيْهِ السَّلَامُ} به نقل از رسول خدا^{اللهُ أَكْبَرُ اللَّهُ عَلَيْهِ الْكَفَلُ} فرموده‌اند:

زمانی بر مردم خواهد آمد که حکومت، جز به وسیله‌ی کشن
و ستمگری به دست نماید، و ثروت جز با غصب و بخل فراهم
نگردد، و محبت و دوستی، جز با بیرون رفتن از دین به چنگ
نماید. پس هر کس، آن زمان را دریابد و بر فقر صبر کند، با این که
محبت مردم را بتواند جلب کند، و بر خواری و ذلت صبر کند، در
صورتی که قدرت عزیز شدن را داشته باشد، خداوند پاداش پنجاه
صدیق از تصدیق کنندگان مرا به او خواهد داد.^۲

مراد از «ذلت و عزت» در این روایت، عزت و ذلت ظاهری و دنیایی است،
و گرنه مؤمن همیشه از عزت برخوردار است، چه در فقر و پریشانی، چه در
مکنت و برخورداری؛ ﴿وَلِلَّهِ الْعَزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ﴾.^۳

امام کاظم^{عَلَيْهِ السَّلَامُ} نیز در این زمینه می‌فرماید:

هر کس صبر کند و انتظار کشد، به فرج و پیروزی می‌رسد و
انتظار فرج، بخشی از فرج است.^۴

این مسئله، چنان حیاتی است که صابران دوره‌ی انتظار، از گروندگان به غیب،
بلکه از مفلحان و رستگاران شمرده شده‌اند.^۵

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۳.

۲. کافی، ج ۲، ص ۹۱، ح ۱۲.

۳. منافقون: ۸.

۴. مکیال المکارم، ج ۲، صص ۴۱۱ - ۴۲۶.

۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۳. قال رسول الله^{اللهُ أَكْبَرُ اللَّهُ عَلَيْهِ الْكَفَلُ}: طوبی للصابرين في غيتيه... أولئك وصفهم

دوم. ذکر

۸۳ □ ره آورد انتظار

دوران انتظار، دوران هجوم فتنه‌ها و مشکلات و گرفتاری‌هاست. آنچه سبب آرامش قلبی و قدرت روحی شیعه‌ی متظر می‌شود و وی را از غفلت و زینت و وسوسه، نجات می‌دهد، ذکر و هوشیاری است.

آدمیت آدمی، در گرو دو دستاورد بزرگ، یعنی علم و ذکر است. با علم، از جهل‌ها آزاد می‌شویم و با ذکر، از غفلت‌ها. انسان در یک مرحله، جاہل است و در این مرحله، محتاج دانستن است. پس باید به دنبالش برود، در هر جا باشد. از طرفی، تأکید فراوان بر فراگیری علم و دانش، اهمیت آن را دو چندان می‌کند، ولی باید توجه داشت که دانستن، شرط لازم برای موفقیت و سعادت آدمی است، اما شرط کافی برای این مهم نیست. چون، پس از یافتن و فهمیدن، خطر دیگری بر سر راه است و آن، غفلت و بی خبری است. در این مرحله، علم کارساز نیست، بلکه ذکر و تذکر، کارگر است و چاره‌ی درد.

مؤمن متظر نیز از این امر، مستثنان نیست. زیرا فتنه‌ها و جلوه‌ها و وسوسه‌ها و زینت‌ها^۱ در دنیا وجود دارند و در دوران غیبت، شدیدتر هم شده‌اند و طبیعی است که هر یک دل را می‌لرزاند و سبب غفلت می‌شود. بنابراین، شیعه‌ی متظر با ذکر و هوشیاری، باید انس گیرد و از این «قوت روح» و «کلید و حیات قلب» و «نور و شفای دل»^۲ مدد جوید.

۱. اللہ فی کتابه فقال: ﴿وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾ وَقَالَ: ﴿أُولَئِكَ حُزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حُزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْحُونُ﴾.

۱. حدید؛ ۲۰؛ ﴿أَعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعْبٌ وَلَهُوَ زِينَةٌ وَتَفَاهُّرٌ بَيْنَكُمْ﴾.

۲. میزان الحکمة، ج ۳، ص ۴۱۷-۴۱۸. در روایاتی از ذکر، به قوت روح و کلید و حیات قلب و نور و شفای دل تعبیر شده است.

راستی، عجب حکمتی دارد آفرینش خدا، چه زیبا انسان را تربیت می‌کند! در دل هجوم زینت‌ها و جلوه‌ها و دنیا زدگی‌ها، ذکر و یادآوری نورانیت و هوشیاری و حلاوت و شیرینی عبادت و خود باوری را به انسان منتظر هدیه می‌کند و این، نتیجه‌ی آمادگی و انتظاری است که وی به چنگ آورده است.

سوم. اصلاح

یکی از آثاری که در هر شیعه‌ی منتظر پدیدار می‌گردد، اصلاح و پیراستن خود از خصائص ناپسند، و آراستن خود به اخلاق نیکو است. این، نتیجه‌ی طبیعی انتظار واقعی است.

او، در تاریخ کسانی را دیده است که در بحرانی ترین شرایط، زیر شانه‌ی ولی خدا را خالی کرده‌اند! او، طلحه و زیبرهای تاریخ را دیده است! او، عمر سعد‌ها را دیده است! از این رو او نقطه ضعف‌هایی را شناسایی می‌کند و در پی اصلاح خود بر می‌آید.

شیعه‌ی منتظر، دریافته که با اصلاح خود، به تنها یک کارها درست نمی‌شود. چون او با جامعه مرتبط است. او می‌داند که جامعه‌ی فاسد، فرد صالح را هم به فساد می‌کشاند. درک این ضرورت، او را به اصلاح جامعه می‌کشاند.

این دو، همان علامت‌هایی هستند که پیامبر ﷺ از سالیان دور، در گوش تاریخ گفته است. مسلمان باید صالح باشد؛ *المُسْلِمُ مَنْ سَلَمَ الْمُسْلِمُونَ مَنْ يَدْهُ وَ لَسَانُهُ*^۱ نیز باید مصلح باشد؛ *مَنْ أَصْبَحَ وَلَمْ يَهْتَمْ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ*^۲. از امام صادق علیه السلام در این مورد، چنین نقل شده است:

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۲۵۸.

۲. کافی، ج ۲، ص ۱۶۳، ح ۱ و ص ۱۶۴، ح ۵.

هر کس دوست دارد که از یاران حضرت قائم علیهم السلام باشد، باید
منتظر باشد و در این حال، به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار
کند...^۱

امام عصر علیهم السلام نیز با توجه به ناگهانی بودن امر ظهور، همه‌ی شیعیان را به انجام
دادن اعمال پسندیده و دوری از اعمال ناپسند در زمان غیبت، فرا خوانده،
می‌فرماید:

هر یک از شما، باید آن چه را سبب دوستی ما می‌شود،
پیشه‌ی خود سازد و از آن چه مایه‌ی خشم و ناخشنودی ما
می‌گردد، دوری گزیند. زیرا فرمان ما، به یک باره و ناگهانی فرا
می‌رسد و در آن زمان، توبه و بازگشت، برای کسی سودی ندارد و
پشیمانی از گناه، کسی را از کیفر مانجات نمی‌بخشد.^۲

این موضوع، از چنان اهمیتی برخوردار است که در توقيع شریف ناحیه‌ی
قدس حضرت صاحب الامر علیهم السلام به مرحوم شیخ مفید، آمده است:
تنها چیزی که ما را از آنان پوشیده می‌دارد، چیزهای
ناخشايندی است که از ایشان به ما می‌رسد و خوشائند مانیست و
از آنان انتظار نمی‌رود.^۳

۱. الغيبة، نعمانی، ص ۲۹۱، ح ۱۶، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰، ح ۵۰.

۲. احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۳۲۲.

۳. پیشین.

چهارم. امید

انتظار فرج، از آن جهت مورد تأکید و توصیه‌ی اهل بیت علیهم السلام قرار گرفته است که در شیعه‌ی منتظر، امید به آینده پدید می‌آورد و همین امید، نقش بزرگی در زندگی او دارد. چون اگر پندار کسی این باشد که هیچ تلاشی برای اصلاح امور به نتیجه نمی‌رسد، انگیزه‌ای برای مبارزه با طاغیان و مقاومت در برابر دشواری‌ها نخواهد داشت؛ اما اگر کسی به آینده امیدوار باشد و بداند که دیر یا زود، حکومت زمین به صالحان خواهد رسید و امور جامعه اصلاح خواهد شد و ستم و بیداد رخت بر خواهد بست و... برای رسیدن به چنان جامعه‌ای می‌کوشد تا با دگر سازی، زمینه‌ی تشکیل آن دولت کریمه را فراهم آورد.

حالت انتظار و اعتقاد به حضور رهبر، اثر عمیقی در اجتماع دارد. هرگاه این رهبر، در دل اجتماع باشد، مداخله‌ی او در رهبری امت و نظارت بر سازمان‌ها، لازم و ضروری است، ولی هرگاه این رهبر، به علی زندانی یا تبعید شود، بیمار شود، باز هم مردم به امید وجود آن رهبر، دست به دست هم داده، کارها را ادامه می‌دهند.

در طول تاریخ، در میان ملل زنده که نهضت‌هایی داشتند، تازمانی که رهبر نهضت، زنده بوده است، هر چند از نزدیک موفق به رهبری نمی‌شد، تشکیلات این گروه پایدار می‌ماند؛ اما لحظه‌ای که زندگی او به پایان می‌رسید، دو دستگی میان نیروها، و پراکندگی و نابسامانی، در میان جمعیت، پدید می‌آمد.

بنابراین، حالت انتظار و اعتقاد به وجود امام زنده و حاضر و ناظر، در حفظ وحدت مردم و آماده کردن افراد برای نهضت علیه ستم مؤثر است.

پنجم. همراهی

شیعه‌ی منتظر، تلاش دارد که در رفتار و گفتار و پندار، خود را به خصیصه‌های نیکوی امامش نزدیک کند. بگوید، آن چه او می‌پسندد و انجام دهد کاری را که او خوش می‌دارد و... از این رو، اخلاق او، مردم را به یاد آن غایب از نظر می‌اندازد تا جایی که بهترین افراد اهل زمان خود به شمار می‌رود.

فرزندان انتظار، در مناسبات اجتماعی، چنان پابند عدالت‌اند که مردم، طعم عدالت اجتماعی را به سبب ایشان تجربه می‌کنند. فرزندان انتظار، این هشدار را شنیده‌اند که «منفورترین مردم نزد پروردگار، کسی است که سیره‌ی امامی را برگزیند، ولی از کارهای او پیروی نکند».^۱

یکی از دعاها بی که تصویر روشی از شیعه‌ی منتظر می‌نمایاند و ما را با انتظارات امام از شیعیانش آشنا می‌کند، دعای شریف اللهم ارزقنا توفيق الطاعة و... است.^۲

همراهی با امام منجی، در گرو آزادی از هرگونه تعلق و رهایی از همه‌ی وابستگی‌هاست. با این سعهی وجودی است که آدمی، رفعت می‌گیرد و می‌تواند سرود واجعل لی مع الرّسول سبیلاً^۳ را سردهد. چون، تاکسی به این وسعت و رشد نرسیده باشد، همراهی رسول ﷺ و ولی علیہ السلام رانمی‌تواند داشته باشد.^۴

۱. کافی، ح ۸، ص ۲۳۴.

۲. مفاتیح الجنان، دعای امام زمان (عج).

۳. مفاتیح الجنان، تعقیبات بعد از نماز در ماه مبارک رمضان.

۴. به داستان جالبی در مورد بزرگانی که طالب دیدار حضرت بودند، اما تعلق‌های آنان، سبب جدایی از امام موعود شد. (ر. ک: انتظار و انسان معاصر، عزیزالله حیدری، ص ۷۱-۷۳).

همراهی و معیت با رسول ﷺ و ولی علیہ السلام همراهی در اهداف و همراهی در سلوک عملی آنان را می خواهد. من که تمام هدفم متاع دنیا است و رضایت به این زندگی است،^۱ همراه اهداف «ولی» نمی توانم باشم و به مقام معیت و در رکاب ولی بودن برسم، اما آنان که پوسته ها و دیوارها را شکسته اند و از تعلقات دنیوی آزاد شده اند و چنان وسعت پیدا کرده اند که دیگر نمی خواهند و نمی توانند به دنیای محدود برگردند، همراه ولی معصوم می توانند باشند تا جایی که لیاقت همراهی امام قائم علیہ السلام آن هم در خیمه اش را پیدا می کنند.^۲

ششم. بصیرت

مؤمنِ مُنْتَظَر، در تمامی أَبَعَاد، آمادگی پیدا می کند. یکی از آن ها، آمادگی فکری است. نتیجه‌ی تلاش فکری مؤمنِ مُنْتَظَر، بصیرت و آگاهی است. فتنه‌ها، افزون بر این که غفلت می آورند، شبّه و تردید و تزلزل را نیز در افکار آدمی ایجاد می کنند و این فرزند انتظار است که چون به هوشیاری فکری رسیده، بیدار است و آماده شده است. او از زبان مهریان علی علیه السلام شنیده:

فَإِنَّمَا الْبصِيرُ مَنْ سَمِعَ فَتَفَكَّرَ وَ نَظَرَ فَأَبْصَرَ.

او می داند که آیین تشیع، از آغاز گسترش، هماره مورد تاخت و تاز دشمنان قرار داشته و در عصر غیبت، به شدت آن افزوده شده است. آنان، عرصه را با غیبت صاحب دین، خالی دیده و در این فرصت، به گمراهی کردن مردم

۱. یونس: ۷، «إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا رَضُوا بِالْكِيَّةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأْنَوْا سَآءِ».

۲. بخار الأنوار، ج ۴۲، ص ۱۲۶. قال أبو عبد الله علیه السلام: مَنْ ماتَ مِنْكُمْ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ لِهَذَا الْأَمْرِ كَمَنْ هُوَ مُعَلَّمٌ فِي فَسْطَاطِهِ...؛ اگر کسی از شما بمیرد در حالی که منتظر حکومت امام زمان (عج) بوده، همانند کسی است که با امام قائم (عج) در خیمه اش بوده است....

۳. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۹، ص ۱۵۸.

رو می آورند. او می داند که وظیفه دارد با تمام وجود به دفاع از آیین و آرمان آن حضرت برخیزد و به شباهات والقائات شیطانی دشمن پاسخ دهد.

شیعه‌ی منتظر، همراه تاریخ است و از آن درس می‌گیرد. او، قهرمان با وفای کربلا حضرت ابوالفضل علیہ السلام را که به بصیرت رسیده بود،^۱ سرمشق خود قرار می‌دهد.

مؤمنِ منتظر، بیدار است، خدای متعالی، به او آن اندازه از عقل و فهم عنایت کرده که دوران غیبت برایش چون به دوران ظهور است و چنان بصیرت پیدا می‌کند که شباهات دوران انتظار را به راحتی پاسخ می‌گوید امام سجاد علیہ السلام در همین زمینه می‌فرمایند:

... يَا أَبَا خَالِدًا إِنَّ أَهْلَ زَمَانِهِ الظَّالِمِينَ بِإِمَامَتِهِ وَالْمُنْتَظَرِينَ
لِظَّهُورِهِ أَفْضَلُ مَنْ كُلِّ زَمَانٍ؛ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى، أَعْطَاهُمْ
مِّنَ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عَنْهُمْ
بِمَنْزِلَةِ الْمُشَاهِدَةِ؛^۲

ای ابا خالدا مردم زمان غیبت که به امامت او معتقد و منتظر ظهور او هستند، برتر از مردم همهی زمان‌ها‌یند. زیرا خدای والا آنان، را به اندازه‌ای از عقل و شناخت برخوردار کرده است که غیبت برای آنان، مانند شهود است.

فرزند انتظار، به چنان توجّهی راه یافته است که با آمادگی و فراهم آوردن زمینه‌ها، اجازه‌ی ورود به هیچ گونه شباهه‌ای را نمی‌دهد و روح و قلب خود را از هر گونه گزندی حفظ می‌کند. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

۱. مفاتیح الجنان، زیارت‌نامه‌ی حضرت ابوالفضل؛ أَشْهَدُ أَنَّكَ مُضِيَّ عَلَى بَصِيرَةٍ مِّنْ أَمْرِكِ... .

۲. کمال الدین، ص ۳۰.

۹۰ □ نکاهی دوباره به انتظار

طوبی لَمْ تَمَسَّكْ بِأَمْرِنَا فِي غِيَةِ قَائِمِنَا فَلَمْ يَزُغْ قَلْبِهِ
بِالهَدَايَةِ؛^۱

خوشابه حال کسی که در زمان غیت قائم ما، به فرمان ما
تمسک جوید که در نتیجه، قلب هدایت شده اش، هرگز به طرف
باطل متمایل نشد.

شیعه‌ی منتظر، از چنان بصیرت و آگاهی برخوردار می‌شود که «شگفت‌ترین
مردم در ایمان و بزرگ‌ترین آنان در یقین»، لقب می‌گیرد.^۲
اکنون مناسب است در این مرحله از بحث سه نمونه از شباهات را بررسیم.

□ نمونه‌ی ۱

یکی از شباهاتی که در مجالس و محافل و مجلات مختلف طرح شده، بحث
خشونت است، به خصوص روایاتی نیز در مورد خشونت هنگام ظهور مطرح
است. در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده است: لیس أمره إلا السيف؟^۳
سر و کار او، فقط با شمشیر است.

در روایت دیگری نیز چنین آمده است:

... لا يعطهم إلا السيف، يضع على عاتقه ثمانية أشهر
هرجًا حتى يقولوا: والله! ما هذا من ولد فاطمه، لو كان من

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

۲. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: ای علی، بدان که شگفت‌ترین مردم در ایمان و بزرگ‌ترین آنان در
یقین، گروهی هستند در آخر الزمان که پیامبر را ندیده‌اند و از امام خود دور هستند. (من
لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۶۶؛ وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۶۵)

۳. کافی، ج ۸، ص ۳۶۲.

ولدها لرحمنا؛^۱ او جز با شمشیر با آنان بخورد نمی‌کند. در زمان بحران و آشوب، به مدت هشت ماه، شمشیرش را روی دوش خود می‌گذارد تا این که مردم خواهند گفت: به خدا سوگند! او فرزند زهرا نیست. اگر فرزند زهرا بود، حتماً به مارحم می‌کرد.

بنابراین، اگر آن چه درباره‌ی قیام آخرین ولی خدا گفته شده، صحیح باشد، پدیده‌ی ظهور، یک فاجعه خواهد بود. زیرا پیامد این حادثه، چیزی نیست جز سیطره‌ی آهنهنین یک نفر بر تمامی کره‌ی زمین و تحمیل اراده‌ی خشن او بر اراده‌ی همه انسان‌ها.

در جواب این دیدگاه، باید گفت: شیوه‌ی کسب قدرت در اندیشه‌ی اسلامی، بر اساس آزادی و اختیار بشر است، نه اجبار و تحمیل، و شیوه‌ی مدیریت اسلامی، بر وفق و مدارا استوار است، نه شمشیر و تحقیر، و سلوک حکومت دینی، بر رافت و عطوفت با شهروندان است، نه شدّت و خشونت.

جنگ‌ها و درگیری‌ها، پس از مرحله‌ی تبیین و جدا شدن صفواف است. گفت‌وگوی تمدن‌ها و داد و ستد میان ادیان، تا مرز درگیری و رویارویی هم می‌رسد. این طور نیست که گفت‌وگوی میان ادیان یا تمدن‌ها یا آدم‌ها همیشه به مصالحه ختم بشود.

از طرفی مرحله‌ی نخست گفت و گو نیست؛ پیش از این که گفتگویی صورت بگیرد، بخورددهای حساب شده، محبت‌ها، زمینه‌سازی‌ها مطرح است، سپس گفتگو تحقق پیدا می‌کند، بعد فرصت می‌دهد تا تصمیم بگیرند، آنگاه مرحله‌ی صف‌بندی و جبهه‌گیری مطرح می‌شود و او ممکن است با ما درگیر شود. چون اختلاف منافع و مقاصد در میان است.

در اندیشه‌ی اسلامی، چنین است که جنگ پس از مراحل پیش گفته شکل می‌گیرد. در جنگ صفين امیرالمؤمنین علیه السلام خيلي تعلل می‌کرد تا حدی که بعضی از اصحاب پنداشتند علیه السلام شک دارد و نمی‌خواهد بجنگد. آنگاه حضرت فرمود: «نه! برای این نیست، بلکه می‌خواهم یک نفر به بیداری و روشنی برسد.» و بعد از تحقق این بیداری و آگاهی، دیگر خشونت نیست، قاطعیت است. این‌ها، عقلانیت و عین منطق است و احترام‌گذاردن به کرامت انسانی.

خشونت این است که پیش از فرصت دادن و هدایت کردن و ایجاد زمینه‌ی فکر و انتخاب، درگیری را شروع کنی؛ ولی باطی این مراحل، دیگر خشونت نیست. حضرت مهدی (عج) نیز به همین روش با عامه‌ی مردم برخورد خواهد کرد، اما معاندان و برآندازان که حقانیت را فهمیده‌اند، اگر جلوی آن‌ها را نگیری، جامعه را به فساد می‌کشانند. طبیعی است که در برابر اینان، رفق و مدارانمی‌توان داشت. بر پایه‌ی عقلانیت، بر سر ستمکاران و متجاوزان به حقوق خدا و مردم، باید شمشیر کشید. بنابراین هم شمشیر حضرت واقعیت دارد و هم رافت ایشان. به بیان دیگر، میان شمشیر قدرت و شمشیر عدالت تفاوت هست. شمشیر مهدی، نه شمشیر کسب قدرت است و نه شمشیر حفظ قدرت، بلکه شمشیر اجرای عدالت است. اگر شمشیر حفظ قدرت بود، دوران غیبت به وجود نمی‌آمد و اگر شمشیر او، شمشیر کسب قدرت بود، دوران انتظار مفهومی نداشت.

□ نمونه‌ی ۲

مؤمن متظر همواره با کجروی‌ها مقابله و باشناسایی و طرح آن‌ها، آثار منفی آن‌ها را خنثی می‌کند. به طور قطع یکی از کجروی‌ها مسئله رؤیت و ملاقات با حضرت است که متأسفانه امروز شاهدیم که در برخی از محافل صرفاً مردم را با نقل خواب و رؤیا و بیان حکایات ملاقات و تشرفات، آن هم بدون توجه به

میزان صحت و استناد آن‌ها سرگرم می‌کنند.

باید توجه داشت که این شیوه، چند اثر منفی در پی دارد: مردم را همواره در سطحی نازل از ایمان و آگاهی قرار می‌دهد و اعتقاد و باور آن‌ها را نیز بسیار شکننده و آسیب‌پذیر می‌سازد. زیرا مردمی که تنها با بیان یک خواب جذب موضوع مهدویت می‌شوند، با وقوع اندک خدشه‌ای در این نقل‌هادچار تزلزل و سردرگمی می‌گردند.

از سوی دیگر، چنین مطالبی شنوندگان و مخاطبان جوان و نوجوان را از رسالت سنگین که در برابر حجت خدا حضرت صاحب الامر علیهم السلام دارند، غافل ساخته، به این اندیشه و امی دارد که تنها باید در پی به دست آوردن ادعیه، توصلات برای تشرف و ملاقات با آن حضرت بود و قطعاً این قبیل افراد اگر به آرزوی خود دست نیابند، دچار دلزدگی و نامیدی می‌شوند.

خطر دیگری که طرح این نوع مطالب به همراه دارد، اعتقاد به مهدویت را در نزد کسانی که هنوز به حقائق شیعه و عمق اندیشه مهدویت پی نبرده‌اند، اعتقادی موهم و آمیخته با خرافه جلوه می‌دهد.^۱

□ نمونه‌ی ۳

شاید این شبیه بارها به ذهن شما خطور کرده باشد که با این همه قدرت جهنمی مستکبران چگونه می‌توان برخورد کرد و با این همه ضعف و تشتت چگونه می‌توان برپا ایستاد و نظم نوین جهانی را زیر پا گرفت؟

پاسخ: اگر منتظران تدبیری نیند یشیدند و باری از میان برنداشتند، ظلم مملو زمینه‌ساز قسط کامل است.

۱. به نقل از ماهنامه موعود، شماره ۲۷، ص ۲۸.

از آن طرف، امکانات مهم نیست، بلکه عمدۀ انگشتی است که آن‌ها را به چرخ می‌اندازد و اعصابی است که آن انگشت‌ها را می‌گرداند و مغز و قلبی است که براین همه فرمان می‌راند. آن جا که این دو مرکز بارعب و وحشت آسمانی بمباران شد داستان همان می‌شود که آن‌ها خود با دست خود قلعه را خراب می‌کنند. زیرا خدا از آن جایی که حسابش را نمی‌کردند، به سراغ آن‌ها آمد و دل‌هاشان را با ترس گرفت.^۱

چگونه این ترس شکل می‌گیرد؟ «سنلقی فی قلوبهم الرعب»^۲ بزودی ترس را در دل آن‌ها می‌ریزیم. «بما أشرکوا بالله ما لم ينزل به سلطانا»^۳ و این ترس، از شرک و پراکنده شدن نیروهای باطنی و بت‌های بی‌شمار آن‌ها مایه می‌گیرد و این شرک^۴ و ترس و اضطراب و التهاب، نشانه‌هایی است که از همین امروز انسان مقتدر و نیرومند را محاصره کرده، او را در بند کشیده است.^۵

افزون بر این، روایتی نداریم که استفاده امام مهدی علی‌الله‌آل‌عیّا را از تکنولوژی روز نفی کند، بلکه احادیثی مؤید آن است؛ انّ صاحبکم ليركب السحاب و يرقى في الأسباب و ينزل العراق في سبع قباب من النور لا يعلم بآيتها هو؛^۶ رهبر شما بر ابرها سوار می‌شود و با وسایلی بالا می‌رود و وقتی از حجاز وارد عراق شود، در

۱. «فاتاهم الله من حيث لم يحتسروا» (حشر، ۲).

۲. احزاب، ۲۶.

۳. آل عمران، ۱۵۱.

۴. حوادث شهریور ۸۰ در نیویورک و واشنگتن، اگر نگوییم مصدق بارز همین آیات بود، بسی تردید نشانه ضعف و زبونی و تشتت و پوشالی بودن ابرقدرت آمریکا بود و نشان داد که تمامی‌های و هوی و ادعاهای آن‌ها مانند حیاکی است تو خالی که با یک تلنگر فرو خواهد ریخت.

۵. تومی آیی، علی صفائی حائری، ص ۲۸.

۶. سخنان حجۃ الاسلام کورانی در مصاحبه با ماهنامه موعود، شماره ۲۵.

هفت گنبد نورانی است که معلوم نیست ایشان در کدام یک قرار دارد.

در روایت دیگری می خوانیم:

اَنَّ اللَّهَ عَزُّ وَجَلُّ أَعْطَى ذِي الْقَرْنَيْنِ السَّحَابَ الذَّلُولَ وَالْأَخْرَى
الصَّحَابَ لِصَاحِبِكُمْ. سَأَلَهُ: وَمَا الْهَوَاءُ الصَّعْبُ؟ قَالَ: الَّذِي فِيهِ
رَعْدٌ وَقَذْفٌ وَبَرْقٌ.^۱ خداوند به ذی القرنین ابر و باد روان و آرام
را عطا کرد و برای رهبر شما سخت و مستحکم آن را ذخیره کرد.

راوی می گوید، از حضرت پرسیدم که هوای سخت چیست؟

حضرت فرمود: فضای آمیخته با غرش و درخشش
هر اسناک آسمان است.

فصل هفتم

سراج

الخواز

یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور ^۱ کلبه احزان شود روزی گلستان، غم مخور سرانجام، دوران انتظار و نهان بودن آخرین منجی، به سر می رسد و به زودی، سپیدی صبح بر سیاهی شب چیره خواهد شد؛ **(أليس الصّبح بقريب)**^۲. آن زمان دور نیست؛ **(إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَ نَرَاهُ قَرِيبًا)**^۳ و این انسان است که با انتخاب خود و فراهم آوردن زمینه‌ی ظهور، می تواند بر پا بماند و خود را با این حرکت منظم هستی، هماهنگ کند و در این فرجام نیک آفرینش، سهیم باشد و به رستگاری برسد، و نیز می تواند حرکتی نکند و وظیفه‌ی خود را به نهایت نرساند. آن وقت، ظلم فraigیر، زمینه ساز قسط و عدل می شود و سیاهی، زمینه ساز نور می شود و در دل تاریکی‌ها، چراغ‌ها افروخته می شود.
اکنون شایسته است به دو نکته توجه کنیم:

۱. پیروزی حتمی سپیدی بر سیاهی
این درس قرآن است: **(جاء الحق و زهق الباطل)**^۴ اگر حق را بیاوری، باطل

۱. حافظ.

۲. هود: ۸۱

۳. مفاتیح الجنان، دعای عهد.

۴. اسراء، ۸۱

می‌رود، اماً اگر حرکتی نشد، باطل به میدان می‌آید و با این وجود، باز باطل نابود شدنی است. باطل، زمینه‌های فساد و نابودی را در نهان خود دارد. زیرا کسی که خلاف قانون‌ها و سنت‌های حاکم بر هستی می‌رود، ناچار در معرض زوال است.

خوب است به جملات زیر توجه کنیم:

«چه قدر امروز به سپیده‌ی فردا نزدیک است،»^۱

مردم، در واپسین حرکت تاریخ و آخر الزمان، گران مردی از فرزندان من، ظهور خواهد کرد. هنگامی که پرچمش به اهتزاز در آید، شرق و غرب جهان را روشن می‌سازد. با ظهور او، موجی از شادی و نور، عالم گستر می‌گردد.^۲

این جملات امید بخش، از زبان مهربانی در تاریخ ثبت شده که رنج نسل‌ها را از گذشته‌های دور دیده، برای آن برنامه ریخته، در نگاه و عمل، همه‌ی آن‌ها را منظور داشته است. آن، نگاه مهربان علی عَلِيٰ است که چنین زیبا، پایان تاریخ را به تصویر می‌کشد. سرچشم‌هی عشق علی عَلِيٰ محبت خالق هستی است. در روایت دیگری آمده است: «اگر کسانی که از درگاه الاهی روی گردانده‌اند، اشتیاق خداوند به آنان می‌دانستند چگونه است، از شدت شوق، قالب تهی می‌کردند و جان می‌باختند.»^۳

بنابراین، محبت همراه حکمت حق، حاکمیت عدالت را به زمین بر می‌گرداند و این، یک ضرورت است.

۱. و ما أقرب اليوم من تبشير غلام نهج البلاغة، خ ۱۵۰.

۲. کمال الدین، ص ۶۵۳

۳. جامع السعادات، ج ۳، ص ۱۳۰.

۲. نقش دعا در تعجیل فرج

ما، شبی دست بر آریم و دعایی بکنیم غم هجران تورا چاره زجایی بکنیم
 سایه‌ی طائر کم حوصله، کاری نکند طلب از سایه‌ی میمون همایی بکنیم^۱
 محبت و حکمت و عزت که تجلیاتی از جلوه‌های الله است، زمان ظهور را
 تعیین می‌کند. از طرف معصومان علیهم السلام، زمانی برای ظهور تعیین نشده است. تنها
 آمادگی و زمینه سازی سریع‌تر، همراه دعا و التجا به درگاه خدا، لحظه‌ی ظهور را
 نزدیک می‌کند. حضرت صاحب الامر علیه السلام در توقیعی که خطاب به اسحاق بن
 یعقوب صادر شده، می‌فرماید: وأكثروا الدّعاء بتعجيل الفرج؛ فإنّ ذلك فرجكم.^۲
 امام حسن عسکری علیه السلام نیز دعا برای تعجیل فرج را شرط رهایی از فتنه‌های
 دوران غیت دانسته، می‌فرماید:

به خدا سوگند! غیتی خواهد داشت که در آن، تنها کسانی از
 هلاکت نجات می‌یابند که خداوند او را بر قول به امامتش ثابت
 قدم داشته، در دعا برای تعجیل فرجش، موفق کرده است.^۳
 دعا برای تعجیل فرج، از چنان اهمیتی برخوردار است که امام صادق علیه السلام
 می‌فرماید:

هر کس، بعد از نماز صبح و نماز ظهر بگوید: خداوند، بر
 محمد صلوات الله علیه و آله و سلم و خاندان او درود فرست و در فرج ایشان شتاب
 کن، نمیرد تا قائم را دریابد.^۴

۱. حافظ.

۲. کمال الدین، ص ۴۸۵، الغيبة، شیخ طوسی، ص ۲۹۲ و ۲۹۳.

۳. کمال الدین، ج ۵۲، ص ۲۴؛ بحار الانوار، ص ۳۸۴.

۴. مصباح المتهجد، ص ۳۶۸، ح ۱۰۸؛ بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۷۷، ح ۱۱.

بنابراین، شیعه‌ی منتظر، باید در طول شبانه روز، اوقات نماز و همه‌ی ایامی که در آن‌ها به دعا سفارش شده، دعا برای تعجیل فرج را یک تکلیف و وظیفه‌ی مهم عصر غیبت بداند و آن را فراموش نکند. دعا برای تعجیل فرج، دعای همیشگی پیامبر ﷺ و ائمه‌ی اطهار علیهم السلام و ملائکه‌ی آسمان‌ها بوده و هست.^۱ به هر تقدیر، کسانی که خواستار دیدن عصاره‌ی خلق‌تند،^۲ طالب حضور بهترین آفریده‌ی خدایند، به دعا برای تعجیل فرجش روی می‌آورند. چون، تأثیر دعا در نزدیک شدن فرج را باور کرده‌اند.

در میان بنی اسرائیل، دعا سبب شد تا حضرت موسی علیه السلام صد و هفتاد سال زودتر از وقت تعیین شده، برای نجات بنی اسرائیل برانگیخته شود؛^۳ که در این امت، خود امام موعود(عج) هم اصرار بر ظهور دارند و در چیدن پایه‌های آن، مخفیانه می‌کوشند.

آری، سرانجام، انتظار، پایان می‌پذیرد و سپیدی بر سیاهی پیروز می‌گردد.
به امید آن روز.

۱. مکیان المکارم، ج ۱، ص ۲۹۳.

۲. الفیہ، نعمانی، ص ۱۳؛ هر کس بخواهد عصاره‌ی خلقت، بهترین خلائق از آدم و شیث تا نوح و فرزندش سام و ابراهیم و اسماعیل تا موسی و یوشع و عیسی و شمعون تا محمد ﷺ و علی علیهم السلام تا حسن و حسین علیهم السلام و تا ائمه‌ی اطهار علیهم السلام را بینند، این همه در یک نفر جمع شده است و آن وجود مبارک مهدی «عج» است.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۳۱؛ عن تفسیر العیاشی، عن الفضل بن أبي قره. قال: سمعت أبا عبد الله علیه السلام يقول: أوحى الله إلى إبراهيم أنه سيولد لك. فقال لسارة. فقالت: «أأللّهُو أنا عجوز». فأوحى الله إليه أنها ستلدُ و يعذب أولادها أربعين سنةً. فلما طال على بنى اسرائیل العذاب، ضجوا و بكوا إلى الله أربعين صباحاً. فأوحى الله إلى موسى و هارون يخلصهم من فرعون فخطَّ عنهم سبعين و مائة سنة. قال: فقال أبو عبد الله علیه السلام: هكذا أنتم لوفعلتم. لفرج الله عننا. فاما إذا لم تكونوا، فإنَّ الأمر ينتهي إلى منها.

فهرست مدارک و مأخذ پیش از قرآن مجید و نهجه البلاغة

۱. آئین انتظار، علی اکبر تلافی، مؤسسه نبای، چاپ اول، پاییز ۷۵.
۲. اثیاء الهدایة، شیخ حزیر عاملی، ۱۴۰۱ هـ ق، چاپخانه علمیه قم.
۳. احتجاج، شیخ طبرسی، چاپ اسوه، ۱۴۱۶ هـ ق.
۴. اختصاص، شیخ مفید، با تصحیح علی اکبر غفاری، نشر جماعت المدرسین قم، بی تا، چاپ اول.
۵. ارشاد القلوب، ابو محمد الدیلمی، مؤسسه الاعلمی، بیروت.
۶. اصول کافی، شیخ کلبینی، دارالاضواء بیروت، ۱۴۱۳ هـ ق، ۱۹۹۲ م.
۷. التحسین و صفات العارفین، ترجمه سید علی حیدر گلباغی.
۸. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۷ هـ ق.
۹. الغيبة، شیخ طوسی، مؤسسه معارف اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۷ هـ ق.
۱۰. المعجم المفہرس لالفاظ النہج البلاعی، دشتی، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۶ هـ ق، ۱۹۸۶ م.
۱۱. امالی، شیخ صدوق، مؤسسه البعثه قم، چاپ اول، ۱۴۱۷ هـ ق.
۱۲. امامت و مهدویت، لطف الله صافی، مؤسسه انتشارات حضرت معصومه علیهم السلام، چاپ سوم.
۱۳. امام مهدی در حدیث ثقلین، جمعی از نویسندها، بنیاد فرهنگی مهدی موعود، چاپ اول
۱۴. امام مهدی و آینده زندگی، مهدی حکیمی، بنیاد فرهنگی مهدی موعود، چاپ اول، ۸۰.
۱۵. انتظار در اندیشه‌ها، مرکز فرهنگی امام مهدی علیهم السلام، پاییز ۷۸.
۱۶. انتظار مذهب اعتراض، علی شریعتی، انتشارات قلم، تهران، چاپ هشتم، بهار ۷۹.
۱۷. انتظار و انسان معاصر، عزیز الله حیدری، انتشارات مسجد مقدس جمکران، نیمه شعبان ۱۴۱۹ هـ ق، چاپ اول.
۱۸. بخار الانوار، محمد باقر مجلسی، مکتبة الاسلامیه، ۱۳۵۸، هـ ق، تهران.
۱۹. برترین‌های فرهنگ مهدویت، مجید پور طباطبائی، ستاد انتخاب برترین‌های فرهنگ مهدویت.
۲۰. به سوی تمدن جدید، آلوبن تافلر، هایدی تافلر، ترجمه محمد رضا جعفری، نشر سیمرغ، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۴ هـ ش.

۲۱. تاريخ سید الشهداء، شیخ عباس صفائی حائری، انتشارات مسجد مقدس جمکران، تابستان ۷۹ چاپ اول.
۲۲. تحف العقول، حسن بن علی بن الحسین حرّانی، مؤسسه الاعلمی بیروت، ۱۳۹۴ هـ، ق، ۱۹۷۴ م.
۲۳. البرهان، سید هاشم بحرانی، مؤسسه الاعلمی بیروت ۱۴۱۹ ق، ۱۹۹۹ م.
۲۴. مجتمع البيان، طبرسی، انتشارات ناصر خسرو، چاپ اول، ۱۳۶۵.
۲۵. توجهات ولی عصر به علماء و مراجع، عبدالحسین باقیزاده، انتشارات تهذیب، چاپ اول، بهار ۱۳۸۱.
۲۶. تو می آیی، علی صفائی حائری، انتشارات لیلة القدر، پاییز ۸۰، چاپ اول.
۲۷. جستجو و گفتگو پیرامون امام مهدی ﷺ، سید محمد باقر صدر، مؤسسه نبا، چاپ دوم ۷۹.
۲۸. چشم اندازی به حکومت مهدی، نجم الدین طبسی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم ۱۳۸۰.
۲۹. چشم در بستر، مسعود پورسید آفایی، انتشارات حضور، چاپ دوم.
۳۰. حضرت مهدی در سنت نبوی، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، چاپ دوم، زمستان ۷۹.
۳۱. در انتظار قفنوس، سید ثامر هاشم العمیدی، ترجمه مهدی علیزاده، مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی، چاپ اول.
۳۲. درس‌هایی از انقلاب، علی صفائی حائری، انتشارات هجرت، چاپ اول، ربيع الثاني، ۱۴۰۰ هـ، ق.
۳۳. در فجر ساحل، محمد حکیمی، نشر آفاق، چاپ بیستم، ۱۳۷۶.
۳۴. رسالت تشیع در دنیای امروز، سید محمد حسین طباطبائی، با مقدمه هائزی کاربن.
۳۵. کافی، شیخ کلینی، دارالاضواء، بیروت ۱۴۱۳ هـ ق، ۱۹۹۲ م.
۳۶. سیمای آفتاب، حبیب الله طاهری، انتشارات زائر، چاپ اول، تابستان ۸۰.
۳۷. شوک آینده، آلوین تافلر، ترجمه حشمت الله کامرانی، نشر سیمرغ، ص ۴۷۵.
۳۸. ظهور مهدی از دیدگاه اسلام، عبدالله هاشمی شهیدی، انتشارات مسجد مقدس حمکران، تابستان ۱۳۸۱ - چاپ اول.
۳۹. عصر زندگی، محمد حکیمی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلام، چاپ دوم / ۷۴.
۴۰. عصر ظهور، علی کورانی، ترجمه عباس جلالی، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۷۵.
۴۱. علی و پایان تاریخ، عبدالمجید فلسفیان، انتشارات مسجد جمکران، چاپ دوم، تابستان ۷۹.
۴۲. عيون اخبار الرضا، ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه، نشر توس، قم.
۴۳. غیبت نعمانی، ابن ابی زینب، ترجمه جواد غفاری، کتابخانه صدوق، چاپ اول، پاییز ۷۴.

۱۰۴ □ نگاهی دوباره به انتظار

۴۴. کمال الدین، شیخ صدوق، جامعه مدرسین، ۱۴۱۶ هـ، ق.
۴۵. ماهنامه بازتاب اندیشه، مرکز پژوهش‌های صدا و سیما با همکاری مؤسسه فرهنگی طه.
۴۶. ماهنامه موعود، اسماعیل شفیعی سروستانی، مؤسسه فرهنگی موعود.
۴۷. مجله مجموعه‌ی حکمت.
۴۸. مجتمع البحرين، فخرالدین طریحی، مؤسسه الوفاء، بیروت ۱۴۰۲ ق، ۱۹۸۳ م.
۴۹. مجموعه مقالات، جشنواره دانشجویی موعود، آذر ۷۶.
۵۰. مصباح المتهجد، مؤسسه الفقه الشیعیة، ۱۴۱۱ ق، ۱۹۹۱ م، چاپ اول.
۵۱. معجم المفہرس للقرآن الکریم، محمد فؤاد عبدالباقي، اسماعیلیان، دارالمکتب المصریه، قاهره، ۱۳۶۴ هـ، ق، ۱۹۹۵ م.
۵۲. مقاتیح الجنان، شیخ عباس قمی.
۵۳. مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیهم السلام، سید محمد تقی موسوی اصفهانی، ترجمه سید محمد حائری قزوینی، انتشارات شفائق، پاییز ۸۰.
۵۴. منتخب الائمه، صافی گلپایگانی، مؤسسه سیده المعصومة علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۱۹ هـ، ق.
۵۵. من لا يحضره الفقيه، شیخ صدوق، دارالاضواء، چاپ دوم، ۱۴۱۳ هـ، ق، ۱۹۹۲ م.
۵۶. موج انتظار، دولت آبادی، بحرالعلوم، چاپ سپهر، پاییز ۷۹.
۵۷. مهدی در سنت نبوی، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی علیهم السلام زمستان ۷۹ - چاپ دوم.
۵۸. مهدی در قرآن، رضا فیروز، انتشارات رایحه، چاپ اول، ۷۶.
۵۹. مهدی در قرآن، سیدمحمد عابدین زاده، انتشارات لاهیجی، چاپ اول، ۸۰.
۶۰. میزان الحکمة، محمد محمدی ری شهری، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ دوم، اردیبهشت ۶۷.
۶۱. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۶ هـ، ق، ۱۹۸۶ م.
۶۲. نهج الفصاحة (کلمات پیامبر اکرم علیهم السلام) ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات جاویدان، تهران، ۱۳۶۰، چاپ پانزدهم.
۶۳. نهضت سربداران خراسان، ب، پتروسفسکی، ترجمه کریم کشاورز.